جمعه ٥ اسفندماه ۱۳۰٥ — شماره اول سال اول — ۲۲شعبان ۱۳٤٥ ۲٥فوریه ۱۹۲٦

صاحب امتیاز . ح . نفیسی . مدیر : محمدتنکابنی
هفتهٔ یکبار روزهای جمعه منتشرمیشود
محل اداره :طهران خیابان چراغ برق
کانون ایران جوان
تلفون. نمره ....
دفتر ادارههمهروزهاز۳ تا ۸ ساعت بعدازظهر بازاست

ایران جوان

وجهاشتراك سالیانه | ایران ٥ تومان
| خارجه ٦ دلار
قیمت تك شماره : موقتهٔ ۱۲ شاهی
قیمت اعلانات : فقط در دوصفحه آخر سطری ۱۰ شاهی مقالات وارده ردنمیشود واداره دراصلاح آنها آزاد است

« ارگان » رسمی جمعیت ایران جوان

فهرست مندرجات

ایران جوان

امروز اولین شماره روز نامه ایران جوان منتشر میشود --

این روز نامه نماینده افکار یك فرد و مدافع منافع خصوصی نیست — اخطاریکه از طرف صاحب امتیاز و مدیر آن در همین شماره مندرج گردیده بصحت این امر گواهی می دهد -

روز نامه ایران جوان «ارگان» رسمی و ناشر افکار « جمعیت ایران جوان »است و جمعیت مسئولیت کلیه مندرجات آنرا بر عهده میگیرد —

روز نامه ایران جوان برای انجام دو مقصود تاسیس شده است :

اولا — ترویج مرام ایران جوان ؛

ثانیاً — آگاه نمودن افکار عامه بمصالح عالیه مملکت —

مرام ایران جوان که جزئیات آن بعد ها در صفحات این روز نامه شرح داده خواهد شد حاوی مسائل کلی ذیل میباشد :

در قسمت سیاسی : استقرار حکومت پارلمانی و اصول دمکراسی در ایران ؛ حفظ آزادیهای انفرادی و آزادی اجتماعات و آزادی نطق و قلم و عقیده و مطبوعات و غیره ؛ تکمیل و استحکام تشکیلات مملکتی مخصوصاً تشکیلات قضائی و کشوری ؛ استقرار حکومت عرفی و الغای کاپی تولاسیون ؛ ایجاد امنیت قضائی ؛ استحکام روابط حسنهٔ بین ایران و ممالك دیگر دنیا .

در قسمت اقتصادی : طرفداری از مالکیت انفرادی و مخصوصاً حمایت از دهاقین و خورده مالکین ؛ رفع موانع تجارت ؛ تشویق سرمایه های خارجی ؛ احداث راه آهن و بانك های فلاحتی و کار خانجات و مؤسسات مهم دیگر ؛ تجدید نظر در قرارداد های تجارتی و مخصوصاً قرار داد های گمرکی ؛ تعدیل مالیاتهای فعلی و مخصوصا وضع مالیاتهای مستقیم که تحمیل بر افراد فقیر مملکت نباشد ؛ منع تدریجی زراعت تریاك و جلوگیری جدی از استعمال افیون

در مسائل اجتماعی : توجه بمعارف مملکت و توسعه مؤسسات معارفی از هر قبیل ؛ اعزام عدهٔ زیادی شاگرد بممالك خارجه ؛ توجه مخصوص بامور صحی وتشویق ورزش بانواع وسائل . توجه مخصوص بتربیت نسوان ؛ تشویق اشخاص تحصیل کرده و هنرمند ؛ جلوگیری از فساد اخلاق و جنك با خرافات و غیره و غیره .

***

اما منظور دوم روز نامه ایران جوان سعی در روشن نمودن افکار عامه و آگاه ساختن آنها بمنافع و مصالح مملکت خواهد بود —

برای اجرای این مقصود ایران جوان سعی خواهد نمود کلیه وقایع و گذارشات داخلی را ازروی نهایت بی طرفی تلقی کند ، حتی المقدور خودرا مافوق محیط قرار داده واز مداخله درجریانات روزمره که درسرنوشت مملکت تاثیری ندارند دوری نماید

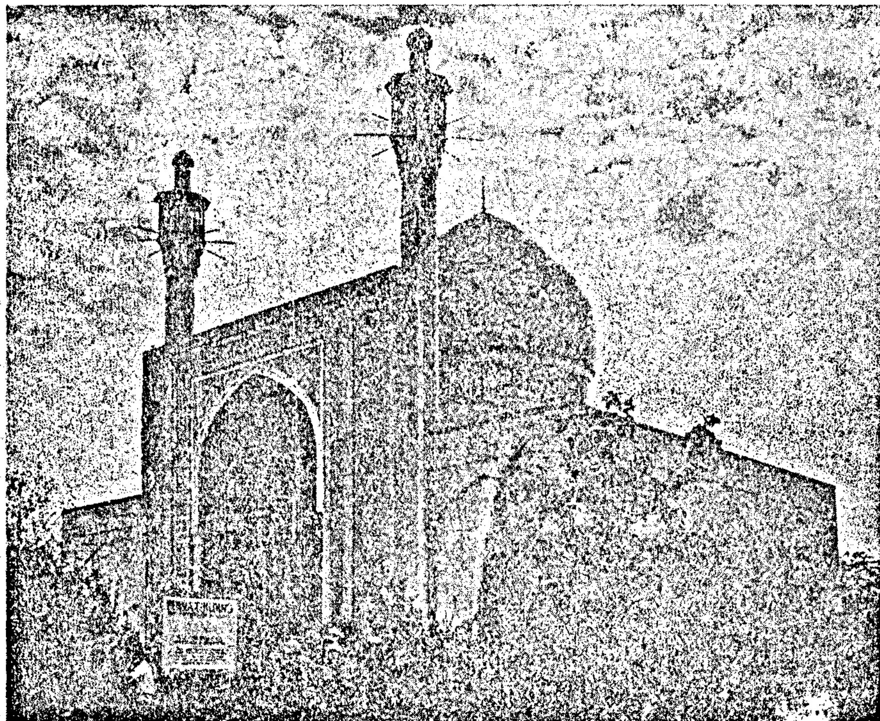
ایران جوان ازتمجید بی جا و انتقاد بیمورد خود داری خواهد داشت و همانطوری که تاکنون معمولش بوده تشکیلات حزبی و نفوذ جمعیتی را برای پیشرفت مقاصد خصوصی وسیله نخواهد کرد -

یاداشتهای هفتگی آن محتوی خلاصه وقایع مهمه مملکتی و گذارشات مجلس شورای ملی مانند آئینهٔ حقایق رامنعکس نموده وبهترین راهنمای سیاسی خوانندگان خواهد بود-

ایرن جوان باهمیت کنونی زندگانی بین المللی کاملاواقف است و بدینجهت توجه مخصوصی [illegible] خارجی معطوف داشته وهمواره وقایع مهمه ممالك دنیارا شرح و در طی مقالات خود راجع بعناوین خارجه اهمیت وتاثیرات وقایع مزبوررا درزندگانی بین المللی خاطر نشان خواهد نمود یکقسمت ازاین مقالات بجریانات و گذارشات جامعه ملل اختصاص خواهد داشت -

چنانچه در قسمت اقتصادی مرام ایران جوان ملاحظه شد این جمعیت پروگرام اقتصادی مهمی دارد . ایران جوان معتقدست که بدون استقلال اقتصادی ممکن نیست مملکت دارای استقلال سیاسی بشود بهمین مناسبت یکقسمت مهم ازروز نامه خود را وقف مسائل اقتصادی کرد و با تمام قوا دراجرای پروگرامی که لازمه آبادی ایران باشد مجاهدت خواهد نمود .

همچنین ایران اگربخواهد ترقی کند باید جوان شود ، عادات ورسومی را که متکی بخرافات و مخالف بامقتضیات امروزه دنیاست ازخود دور کند وراهی را که ملل



غرفه ایران در نمایشگاه فیلادلفی (رجوع شود بصفحه۱۱)

متمدنه دنیا پیش گرفته و بمقصود رسیدند دنبال نماید . ایران جوان که اقتباس قسمتهای خوب تمدن غرب وجنك باخرافات رااز موادمهمه مرام خود قرارداده واعضای خودراموظف بسعی در تهذیب اخلاق و اتخاذ رویهٔ صحت عمل در زندگانی نموده در این مقصود معاضدت بزرگی با علاقه مندان باصلاحات اجتماعی بعمل خواهد آورد . از جمله مسائل اجتماعی به تربیت طبقه نسوان توجه مخصوصی مبذول داشته و در هر شماره روز نامه خود قسمتی را به نسائیات اختصاص خواهد داد .

گذشته از این قسمتها ایران جوان بکلیه مسائل دیگر علاقه مند خواهد بود ، در مسائل صحی ، در قسمت ورزش ، در قسمت علوم ، راجع باختراعات و کشفیات جدید و غیره نگارشات سودمندی بقلم علمای فن جمع آوری نموده و بتدریج در صفحات خود مندرج خواهد داشت . بعلاوه با آگاهی کامل باین نکته ایران همیشه وطن ادبیات وصنایع مستظرفه بود روز نامه ایران جوان برای ترقی و احیاء ادبیات و موسقی و صنایع ملی از هرگونه اقدامی خود داری نخواهد نمود

علاوه بر این مزایای قلمی روز نامه ایران جوان در هر شماره تصاویر وکاریکاتور های قشنك طبع خواهد نمود . بتدریج تصاویر رجال بزرك و علماء و فلاسفه صنعتگران و رجال سیاسی معاصر و عکس کار خانجات و ابنیه تاریخی و ماشین آلات و غیره را در صفحات خود منتشر خواهد کرد .

بطور خلاصه روز نامه ایران جوان زنده و مانند هر ذی روحی متنوع خواهد بود

***

خوشبختانه روز نامه ایران جوان سرمایه علمی سر شاری دارد . جمعیت ما که بهترین اشخاص تحصیل کرده اروپا و ایران را جمع نموده در هر قسمت و در هر فن متخصصین متعددی دارد . اعضای جمعیت معلومات علمی خود را وقف خدمت بروز نامه ارگان حزب خود نموده و بدین ترتیب مقالاتی که نوشته میشود تمام نتیجه تدقیقات اهل فن

وظیفه شناس !



— جناب رئیس اسم این شخص صاحب مستمری در دفتر جزو متوفیات ثبت شده

— باید هویت خودش را ثابت کند

میباشد. جمعی از علماء و دانشمندان و نویسندگان نامی نیز که حزب افتخار عضویت آنها را ندارد وعده کمك قلمی فرموده اند

سرمایه مالی روز نامه اختصاص باعضای جمعیت دارد. اعضای ایران جوان برای انجام وظیفه خدمتگذاری بوطن ازفداکاری مالی مضایقه ننموده وهریك در حدود استطاعت خود در تشکیل شرکت سهامی که اداره امور مالی روز نامه رادر دست دارد کمك نموده اند چون خوشبختانه هیچ سرمایه ای که خارج از حزب باشد در تامین روز نامه ایران جوان شرکت نداشته خوانندگان و مشترکین میتوانند مطمئن باشند که استقلال فکری روز نامه همواره محفوظ و از راهی که برای انجام مقصود در پیش گرفته منحرف نخواهد گردید

***

اینست مجملا تاریخچه و شرح پرگرام روز نامه ای که امروز برای اولین مرتبه قدم در عرصه زندگانی میگذارد. ایران جوان با عزمی راسخ و نیتی پاك داخل درعمل شده و از هیچ نوع فداکاری برای انجام مقصود مضایقه نخواهد داشت. امید است با مساعدت اشخاص وطن پرست که با مرام ان شریك بوده و طالب عظمت و سعادت ایران میباشند موفق وکامیاب گردد.

(ایران جوان)

اخطار

این جانب امتیاز خود را باختیار جمعیت ایران جوان گذاشته ام و جمعیت در اداره امور روز نامه کاملا آزاد است

(حسن نفیسی)

دنیا در هفته گذشته

ایران

لایحه راه اهن در مجلس

روز سه شنبه گذشته آقای وزیر فواید عامه لایحه ای در تحت پنج ماده راجع باحداث راه هن با قید دو فوریت بمجلس تقدیم داشت و با وجود مخالفت بعضی از نمایندگان لایحه درهمان روز مطرح گردید روح لایحه پیشنهادی بمجلس بقرار ذیل بود: اولا راه آهن از بندر جز تا محمره از راه طهران و همدان ساخته شود ثانیاً دولت حق داشته باشد چهار ملیون وپانصد هزار تومان در مدت پنج سال از عایدات انحصار برداشته وبمصرف یك کارخانه ذوب آهن برساند. ثالثاً. راه آهن از هر دو جهت شروع شود. رابعاً. ساختن راه آهن کلا یا جزاً بطور مناقصه بکمپانیها یاشرکتهای ساختمانی خارجه یا داخله محول شود و دولت فقط در عملیات آن ها نظارت نماید

با وجود اینکه جلسه روز سه شنبه تا ساعت هشت ونیم بعد از ظهر امتداد داشت مجلس موفق نگردید تمام لایحه را تصویب کند فقط دو ماده اول آن یکی راجع به تعیین خط سیر راه آهن و دیگری راجع بطرز ساختمان تصویب گردید. بقیه مذاکرات بروز پنجشنبه ٤ اسفند موکول شده است تا این ساعت که ظهر پنجشنبه است ماهنوز خبر قطع راجع به تصویب تمام لایحه نداریم ولی شك نیست که با اکثریت قابل توجهی تصویب خواهد شد.

اشکال بزرگی که تصویب لایحه درمجلس داشت تعیین خط سیر آن بود عده زیادی از آقایان نمایندگان که اظهار عقیده نمودند با خط محمره بطهران مخالفت داشتند و خیلی مایل بودند حتی المقدور راه آهن از مسقط الراس آن ها عبور نماید. و البته کاملا هم ذی حق بودند متاسفانه چون با ساختن یك خط آهن که آن هم میبایستی حتی المقدور در یك خط مستقیم امتداد یابد انجام تمام تقاضا ها امکان نداشت این بود که خط پیشنهادی دولت یعنی محمره بطهران تصویب شد.

نظریات ما را راجع بلایحه مصوبه راه آهن در شماره آینده قرائت فرمائید.

جلسه صبح ٥ شنبه

صبح پنج شنبه جلسه تشکیل و راجع بلایحه پیشنهادی دولت در خصوص راه آهن مذاکرات امتدادداشت

ماده سوم وچهارم لایحه پیشنهادی دولت مطرح و ماده سوم با مختصر اصلاحی تصویب شد.

راجع به ماده چهارم بعضی ازوکلا عقیده داشتند که بعوض کارخانه ذوب آهن کارخانه قند سازی دایر شود — بالاخره باافزودن یك تبصره مبنی براینکه اعتبار سالیانه یك ملیون تومان کارخانه همه ساله باید به تصویب مجلس برسد ماده تصویب شد

چون مذاکره خاتمه نیافته بود قرارشد روزپنج شنبه سه ونیم بعدازظهر جلسه دیگری برای بحث درکلیات لایحه تشکیل گردد

آخرین اخبار خارجه

نقل از مساره طهران

واشنگتن — محافل اقتصادی تصور میکنند که دولت امریکا حاضر خواهد شد وجوهی را که دولت فرانسه موقتاً بپردازد قبول کند

واشنگتن — مستر کاولك بر حسب تقاضای ژاپون موافقت کرده است که کنفرانس خلع سلاح بحری در ماه ژون منعقد شود

کپنهاك — پیشنهاد مستر کولیج حتی در محافل سوسیالیستی با سردی و اکراه تلقی شده زیرا فقط مجمع اتفاق ملل راصالح برای حل این قضایا میدانند

پکن — سون که معاون چانك تسولین است مأمور دفاع شانگهای در مقابل قوای کانتون خواهد بود

برلن — حکومت آلمان بفرماندهان قوای شرقی دستور داده است که تمام قلاع و استحکامات سر حدات شرقی را خراب کنند.

روابط انگلیس و روسیه

لندن یاد داشتی که چمبرلن راجع بروابط با روسیه بین اعضای کابینه تقسیم نموده محتوی شش دلیل بر علیه قطع روابط با روسیه است. بعقیده مشارالیه چنین تصمیمی تاثیرات سوئی راجع به سیاست لوکارنو خواهد داشت زیرا روسیه را درآغوش آلمان فکنده و دولت انگلیس را از اطلاعاتی که فعلا سفارت آن از مسکو کسب میکند محروم خواهد نمود. بعلاوه بهیچوجه در وصول مطالبات اتباع انگلیسی تاثیری نداشته ویحتمل روحیات حزب کارگر را تغییر دهد.

روزنامه دیلی میل عقیده دارد که این دلایل بهیچ نمی ارزند زیرا قطع روابط انگلستان با روسیه دولت انگلیس رابالاتازونی نزدیك تر نموده وبعلاوه باعث اطمینان خاطر عناصر معتدل مسکوخواهد گردید

(بی سیم مسکو)

از مسائل خارجی

دنیا درچه حال است

بی مناسبت نیست در شماره های اول روزنامه قبل ازینکه سیاست یك دولت بالخصوص طرح شود بطور اجمال نظری باوضاع تمام قطعات دنیا بیاندازیم و مسائل مهمی را که امروز در هرمملکت طرف توجه عموم است خاطر نشان کنیم — بدین ترتیب درشماره های بعدخوانندگان محترم با ذهنی روشنتر مطالعات ما را در مسائل خارجی قرائت خواهند کرد.

***

جنك بین المللی اوضاع دنیا و مخصوصا قطعه اروپا را دیگر گون ساخت — امروز باوجود اینکه ۸ سال از انتهای آن میگذرد هنوز در اغلب ممالك وضعیات عادی برقرار نشده است — از لحاظ تشکیلات سیاسی اروپای امروزبا اروپای قبل از جنك تفاوت کلی کرده است. تجزیه اطریش هنگری، خارج شدن روسیه از صحنه سیاست اروپا، تشکیل دول جدید، تقویت دول کوچك مانند رومانی و صربستان وضع سابق اروپا را تغییر داده و سیاست های جدیدی بوجود آورده که هرکدام تاحدی در گذارشات و جریانات فعلی مؤثرند. اما تأثیرات عمده جنك بیشتر در زمینه اقتصادی بوده است. جنك بین المللی مقدار زیادی ثروت موجود را معدوم کرد، از قوهٔ تولید اغلب دول کاست، موازنه بین صادرات و واردات را برهم زد و بازار های فروشی را که این دول قبل از جنك در نقاط مختلفه دنیا داشتند برروی آنها بست. اما این بحران اقتصادی در همه جا یکسان نبوده و در هر مملکت قیافه مخصوصی دارد.

انگلیس — درانگلیس بحران اقتصادی بیشتر بشکل بیکاری جلوه گر شده است. انگلیسها برای اعاده حیثیت سابق خود و رقابت با امریکا فوراً بعد از جنك درصدد بر آمدند لیرهٔ خود را که زیاد تنزل کرده بود به نرخ قبل ازجنك بالا برند — این سیاست پولی برای انگلیس گران تمام شد زیرا مال التجاره انگلیسی را دولی که سابقاً میخریدند و بواسطه جنك فقیر شده بودند نتوانستند با قیمت گزاف لیره بخرند. کارخانجات بواسطه فقدان مشتری و بواسطه مالیات های سنگینی که بر آنها تحمیل شده بود مجبوراً درب خود را بسته و عملجات را بیرون کردند. این بود که بتدریج روز بروز بر عدهٔ بیکاران انگلیس افزوده شد بقسمیکه امروز عدهٔ آنها بالغ بر دو ملیون است. این عدهٔ بیکار که از مالیهٔ دولت حقوق میگیرند و باز ناراضی هستند درد بی درمان انگلیس است. تمام تغییرات، تمام سیاست ها، تمام مجادلات حزبی برای رفع بیکاری بوده است. حتی میتوان گفت سیاست خارجی انگلیس در اروپا که منتهی به عهد نامه «لوکارنو» گردید برای رفع بیکاری بوده است زیرا انگلیسها امید داشتند درصورت استقرار صلح دراروپا مال التجاره بیشتری فروخته واز عدهٔ بیکاران خود بکاهند. اعتصاب کارگران معادن ذغال سنك که چندین ماه طول کشید این وضعیت را سختتر کرده است — امروز حکومت محافظه کار مستر بالدوین درمقابل وضعیات مشکل واقع شده واگر نتواند آنرا حل کند احتمال نمی رود در انتخابات آتیه اکثریت فعلی خودرا مجدداً در پارلمان بیابد. روز نامه ایران جوان درشماره های آتیهٔ خود علل این بحران و تاثیرات آنرا درسیاست داخلی وخارجی انگلیس مفصلا موردمطالعه قرارخواهدداد.

فرانسه و بلژیك درفرانسهٔ بحران اقتصادی بشکل تنزل فرانك ظاهر شده است فرانسه که بیش از تمام دول اروپا از جنك صدمه دید بمحض اختتام جنك در صدد مرمت خرابیهای خود برآمده و چون آلمان که عهده دار جبران این خسارات بود شانه ازکار خالی کرد فرانسه مجبور شد وجوهی را که لازم دارد بوسیله استقراض فراهم کند و بیشتر این وجوه را از راه استقراض داخلی بوسیله صدور بلیط های خزانه داری فراهم نمود — امروز فرانسهٔ تقریباً سیصد ملیارد فرانك قرض داخلی دارد ویکقسمت مهم آن بشکل بدهی غیر ثابت است.

تمام اشکالات اقتصادی فرانسه ناشی از این مقدار بدهی غیر ثابت دولت است ملیاردها بلیط خزانه داری بلیط های دفاع ملی که موعد آنها بتفاوت ازیکماه الی پنج سال است دردست فرانسویها وخارجیها جمع شده وخطریکه ازمطالبه این وجوه در سر موعد برای خزانه فرانسه وجود داردباعث تزلزل اوضاع و تنزل فرانك شده است — در تابستان گذشته لیره انگلیسی که قبل از جنك معادل با ۲۵ فرانك بوده تقریبا به ۲۵۰ فرانك بالغ شد یعنی بعبارت دیگر پول فرانسه بده یك قیمت حقیقی خود تنزل کرد البته تنزل پول یك مملکت تأثیرات مهمی در وضعیت مادی و طرز زندگانی. ورژیم مبادلات آن دارد تنزل فوق العاده فرانك بحران های سیاسی شدیدی در فرانسه تولید کرد و در عرض چند ماه چندین رئیس الوزراء و وزیر مالیه را مستعفی نمود — اینك چند ماهی است در تحت اراده توانای «پوانکاره» ودر تحت لوای اتحاد ملی فرانسویها آنچه لازمه فدا.

کاری بوده انجام دادند و نه تنها توانستند از سقوط بیشتر فرانك جوگیری نموده بلکه یك قسمت از اعتبارات آنرا هم اعاده دادند ولی با وجود اینکه ظاهراً وضعیات قرین آرامش شده باز اشکالات مرتفع نگردیده است. حل مسئله قروض بین متفقین، تثبیت قطعی فرانك استهلاك قرضه های قلیل المدت داخلی، تقلیل مقدار اسکناس، اینها مسائلی هستند که فعلا توجه عموم فرانسویهارا بخود جلب نموده وتا مدتهای مدید دیگر در آن مملکت مسائل سیاسی داخلی وخارجی راتحت الشعاع قرار خواهند داد — حتی مسئله مهم تخلیه اراضی ساحل یسار «رن» که برای فراسوی ها حیوتی است احتمال میرود مطابق با مصالح اقتصادی و در مقابل تعویضات مالی حل و تصفیه گردد.

آنچه راجع بفرانسه گفتیم در مورد بلژیك نیز صحت دارد — فرانسه و بلژیك هردو مبتلا بیك دردند و سیاستی که تعقیب میکنند یك سان است - بلژیك اخیراً فرانك خودرا به‌نرخ هر لیره ای ۱۷۵ تثبیت نمود چنانچه این اقدام دولت بلژیك منتهی بموفقیت گردد شك نیست که فرانسه نیز به تعقیب همین سیاست تشویق خواهد شد -

المان — در آلمان با وجود اینکه اوضاع اقتصادی چندان خوب نیست و عده بیکاران از یك ملیون تجاوز دارد، با وجود اینکه صادرات آلمان نسبت سابق تقلیل فاحشی یافته معهذا مسائل سیاسی بیشترمورد اهمیت میباشد — حکومت آلمان فعلا در مقابل دو سیاست مختلف واقع شده است : از یکطرف احزاب دست راست یعنی راسیست ها وملیون مخالف حکومت جمهوری هستند و میخواهند قیصر سابق یا یکی از افراد خانواده او یا لا اقل ولیعهد سابق با ویررا بتخت سلطنت نشانیده و طرفدار انتقام از فرانسه و جنك و تجهیز میباشند — در صف مقابل سوسیالیست ها و واحزاب دست چپ واقع شده اند که با اعاده سلطنت مخالف و عقیده دارند بهتر است آلمان از انتقام صرف نظر نماید و راه صلح و مسالمت را پیش گرفته تاشاید مقام سابق خود را در میان دول معظم دنیا مجدداً اشغال نماید — حکومت آلمان فعلا بین این دو دسته مورد کشمکش میباشد.

گر چه در این دو سال اخیر سیاست عاقلانه احزاب دست چپ تا اندازه‌ای فایق آمده و با کمك انها «اشترزمان» توانسته است عهد نامه «لوکار نو» را منعقد سازد و در نتیجه یك صندلی دائمی از شورای جامعه ملل برای المان کسب و کمیسیون نظارت در خلع سلاح را که متفقین بالمان اعزام داشته بودند منحل نموده است ولی هنوز موفقیت قطعی این سیاست نا معلوم است. فعلا با تشکیل کابینه جدید مارکس که چهار نفر از ملیون در ان عضویت دارند غلبه با دست راست است اما با آکثریت ضعیف و موفقیت خطر ناك این کابینه تصور نمیرود ملیون بتوانند پرگرام حزبی خود را بموقع اجرا گذارند و عجالة سیاست «لوکارنو» تعقیب خواهد شد در المان بحرانهای سیاسی برای اتیه نزدیکی پیش بینی میشود یحتمل باضمحلال مجلس رایشتاك و تجدید انتخابات منتهی گردد.

ایطالیا — ایطالیا مانند اسیری است که در زنجیر وزین «دوس» *Le Duce* بخود می پیچد و جرأت ناله کردن را ندارد — در این مملکت اروپائی در قرن بیستم رژیم استبدادی بمنتها درجه حکمفرماست — موسلینی وقتی مصدر کار شد اوضاع سیاسی واقتصادی ایطالیا سخت درهم بوده و باید اعتراف کرد که در مدت سه سال حکومت اصلاحات عمده‌ای بعمل اورد :

بودجه را تعدیل کرد.. لیره ایطالیائی را تا درجهٔ تثبیت نمود، خطرات انقلاب ونهضت اشتراکی را بر طرف ساخت اینك چون دیگر در داخله کاری نیست نظر خود را بطرف خارجه معطوف داشته است موسولینی کثرت جمعیت ایطالیا را بهانه قرارداده و سیاست مستملکاتی رادرپیش گرفته است ازیکطرف بفرانسه نظر طمع دوخته و از طرف دیگر بی میل نیست شکست سی سال پیش خود را جبران و حبشه را در تحت تسلط در اورد.

البته این نقشه جهانگیری موسولینی بلامعارض نیست — فرانسه ازسیاست خارجی «روس» اندیشناك شده و روز بروز روابط این دو دولت تیره تر میگردد — مناقشات قلمی در جراید فرانسه وایطالیا، اتفاقات سرحدی، انتریك های ایطالیائیهای مقیم فرانسه، توطئه گاریبالدی اتیه خوبی را نشان نمیدهند

هم چنین رقابت ایطالیا و یوگوسلاوی در شبه جزیره بالکان روز بروز بر شدت خود میافزاید. در واقع امروز سیاست موسولنی صلح اتیه اروپا را تهدید میکند و باید از این طرف منتظر پیش امدهای جدید بود

حال اگر بقطعات دیگر دنیا متوجه شویم صرف نظر از روسیه که جداگانه مورد بحث واقع خواهد شد دو مملکت بزرك و رقیب یکدیگر خواهیم یافت : امریکا و ژاپون

امریکا در مدت جنك بین المللی و در سنوات بعداز آن فوق العاده متمول شد و امروز نصف بیشتر طلای دنیا در آنجا انبار شده است. برعکس ملل اروپا اهالی اتازونی از پربولی مینالند. ولی باز به آنچه دارند قانع نبوده و با نهایت جدیت میخواهند تا دینار آخر مطالبات خود رااز دول مفلوك اروپا وصول کنند. چون در امریکا اوضاع اقتصادی خوبست، چون خاك آنها راهیچ قشون اجنبی تهدیدنمیکند، چون بموجب اصول مونروه «*Monroe*» حاکمیت آنها در تمام قطعه امریکا بلا معارض است لهذا هیچ مسئله مهم افکار عمومی امریکا را بخود متوجه نمیکند تنها موضوعی که باعث کشمکش احزاب ومورد اختلاف میباشد اینست که آیا امریکائی باید بتواند در مملکت خود مشروب بخورد یا خیر ؟ ..

ژاپون — مرك میکادو و جلوس شاه زاده هیر وهیتو بسیاست ژاپون تازگی داده و توجه عموم را جلب نموده است - ژاپون از ۲۰ سال قبل تا کنون سیاستی را پیش گرفته که یقیناً در آتیه نیز تعقیب خواهد نمود — ازلحاظ اقتصادی چون صنایع آن در ترقی است ژاپون مترصد است در آسیا و اقیانوسیه بازار های مطمئنی برای امتعه خود فراهم کند. چون جمعیت زیادی دارد با چشم حسرت به اسطرالیا و جراید فیلیپین و جزایر هلندی آسیا نگاه میکند. درچین با روسیه ودر اقیانوس کبیر با امریکا رقابت دارد. سیاست ژاپون در چین حمایت از «چانك تسولین» دیکتاتور منچوری و باطناً مخالفت با دستجات انقلابی کانتون است — روابط ژاپون و انگلستان به صمیمیت سابق نیست و بهمین جهت عهد نامه ائتلاف بین دو دولت دیگر تجدید نشده است اسطرالیا و زلاند جدید که از تجاوزات ژاپون ایمن نیستند دولت انگلیس را بایجاد مرکز بحری سنگاپور روادار نموده‌اند ژاپون باین مرکز با نظر اکراه نگاه میکند -

بنابرین اگر ژاپون در سیاست اروپا ذی نفع نیست برعکس در سیاست بین‌المللی «رل» مهمی دارد. در قضایای مربوط باقیانوس کبیر باانگلستان و اتازونی و در قضیه چین با روسیه و انگلستان مواجه است — حل تمام این قضایا شاید بصلح ومسالمت ممکن نباشد —

متلك

کار دیو

در قدیم الایام معمول بود که دیو ها شاخ و دم داشتند، هیکلشان خیلی بزرگتر از هیکل آدم بود، بدنشان مثل پوست پلنك خال داشت، سیاه سوخته و مهیب بودند، ناخنهاشان دراز، موی سرشان تراشیده، دندانهاشان زنك زده ؛ چشم هاشان دریده و چه عرض کنم روی هم رفته هیولای وحشت انگیز غریبی بودند، خوراکشان هم گوشت حیوانات بود و چون انسان هم در ردیف حیوانات است از خوردن این نوع شریف هم دریغ نمیکردند. در آن اوقات تکلیف مردم بادیو ها معلوم بود، میدانستند که دیو تنوره میکشد، نعره میزند، آدم را (آب لمبو) میکند و بالاخره مطلع بودند که کار دیو وارونه است. مثلا رستم وقتیکه دچار دیو سفید شد، چون میدانست که کار دیو وارونه است ؛ حقه را به اقای دیو زد و خود را از مرك نجات داد...

امروز بحمد الله دیو ها مرحوم شده‌اند و دیگر آن هیکلهای عجیب و غریب دردنیا وجود ندارد، اخلاف آن خدا بیامرز هاهم بقدری متمدن و فرنگی ماب شده اند که فکل وکراوات می بندند، شاخشان را زیر کلاه پنهان میکنند ؛ دمشان را زیر پیراهن دور کمر می بندند، ناخنها را میگیرند، موی سر را بطرز فلاسفه سر بالا شانه میزنند ؛ دندان را با خمیر دانطالبن مسواك میکشند ؛ چشم های دریده را زیر عینك دودی مخفی می سازند ؛ بجای آن جست و خیز های وحشیانه در کافه ودانسینك‌ها رقص چارلستن میکنند، در عوض تنوره کشیدن سوار آئروپلان میشوند ؛ گوشت ابناء بشر را با کارد و چنگال میل می فرمایند ؛ مختصر امروز دیگر همه چیز آنها عوض شده و برای خود آدمی شده اند.

این دیو زاده ها نظر بشجاعت و قلدری که ازاجداد خویش میراث برده اند ؛ امروزه در سر تا سر دنیا مصادر امور مهمه و سلسله جنبان سیاست عالم گردیده اند، و بینی بین الله که از عهده کار ها هم خوب بر امده وانتظام دنیارا خوب حفظ کرده‌اند ولی یك صفت پدری را که معروفترین صفات این طایفه است هنوز ترك نگفتهٔ و در نگاهداری ان اصرار دارند، یعنی کار هاشان هنوز «کار مرحوم دیو» ووارونه است، از زرنگی اسم کار وارونه خود را هم «اقتضای سیاست» گذاشته اند و عیوب آن را در پرده این اسم قشنك از انظار مستور میدارند.

بنا بر این هر گاه دیدید که کار هائی بر خلاف اصول عقلی و طبیعی و بعنوان اینکه (سیاست اینطور مقتضی است) انجام گرفت، بدانید که کار این دیو های متمدن است، مثلا اگر مشاهده فرمودید که فلان وکیل با لایحه اتوبوس رانی مخالفت میکند و معتقد است که بی احترامی بکمپانی (لش کش) جائز نیست ؛ یا اگر ملاحظه فرمودید که متخصص فلاحت را بزور وارد وزارت داخلهٔ می کنند بدانید که [سیاست این طور اقتضا کرده] یا اگر مثلا می بیند که منتظرین خدمت وزارت خانه ها ازصبح تا شام (سك میزنند) و هر وزارتخانه‌ای گروه گروه اعضاء جدید را باپولهای «خوب» کنترات میکند ؛ یا اگر بکیشه پست تشریف بردید و تمبر پست هوائی خواستید و گفتند فروشش قدغنست فوراً باید منتقل شوید که دست اخلاف مرحوم دیوسفید در کاراست یعنی میشود تمبر را ها هزار هزاز به [تمبر چی ها] فروخت امافروش ان باشخاص متفرقه ممنوعست !

پست هوائی مملکت ما هم اگر سه روزه از طهران به پهلوی برسد تعجب نکنید ؛ زیراکار کار اقایان دیوزاد است !

در مسائل اجتماعی و ادبی نیز همینطور است ؛ اگر دل حبشی ادم خوار بحال فقرای شهر ما میسوزد و پولدار های ایرانی که در سخاوت و دل نازکی شهرهٔ عالمند ابداً بروی خود نمی اورند ؛ باز تقصیر با (اقتضای سیاست اجتماعی) اقایانست. وبالاخره ....

مخلص شما: **فضول**

میگویند پرنس هیر و هیتو میکا دوی جدید در موقع تاجگذاری اسم خود را «شوا» یعنی صلح عاقلانه خواهد گذاشت اما معلوم نیست همیشه در عهد سلطنت آتیه پیش آمد روز گار بمصداق این اسم باشد.

ح . ن

مخالفت



— شما که با همه چیز وهمه کس مخالفید
— بجنابعالی چه ؟ مگرمدعی العمومید ؟
— بله . شما چه هستید ؟
— داعي ؟ مخالف العموم

عقیدهٔ کمیسیون تحقیق جامعه ملل

راجع بزراعت تریاك در ایران

ماده بیست ویکم : محدود نمودن کشت تریاك در ایران ونظارت زراعت در ان از طرف دولت و جلوگیری جدی از استعمال افیون . (ماده ۲۱ مرامنامه ایران جوان)

در بهار گذشته کمیسیونی از طرف مجمع اتفاق ملل برای تحقیق و مطالعه در زراعت تریاك بایران آمد . رابورت این کمیسیون قریباً در ژنو در پیشگاه شورای جامعه مطرح خواهد شد .

ممکن است در نتیجه آن تصمیماتی اتخاذ شود که از نقطه نظر اقتصادی برای ایران دارای نهایت اهمیت باشد — پس در اینموقع که سر نوشت اقتصادی ایران در ژنو مطرح میشود برای هر ایرانی لازمست از چگونگی امر مستحضر بوده تا بتواند با فکری روشن در اطراف قضایا قضاوت کند

***

تریاك اعم از اینکه بمصرف کشیدن برسد یا بشکل مرفین و ترکیبات دیگر تزریق شود یکی از سموم خطرناکی است که آتیه نوع بشررا تهدید میکند . بدینجهت از چندین سال قبل کنفرانس های بین المللی برای محدود ساختن کشت و زراعت تریاك تشکیل و در پایان جنك پس از تاسیس مجمع اتفاق ملل انجام این وظیفه بان موکول گردید . مجمع اتفاق ملل انجام اینوظیفه را با نهایت جدیت تعقیب نموده و بتمام دول مولد تریاك فشار های سختی برای تحدید زراعت و نظارت در تجارت آن وارد میسازد . ایران یکی از مهمترین ممالك مولد تریاك است بهمین جهت یك قسمت از توجه کمیسیون تریاك جامعه ملل همواره بطرف ایران معطوف بوده است . اماتا کنون دولت ایران نظریات جامعه ملل را راجع بکشت و تجارت تریاك نپذیرفته و اشکالاتی در انجام این مقصود پیش بینی میکند

دولت ایران برای اثبات حسن نیت خود از جامعه ملل تقاضا نمود کمیسیونی تعیین و بایران اعزام دارد تا باشکالات موجوده رسیدگی و معلوم کند آیا حقیقتاً برای ایران ممکن است کشت تریاك را محدود ساخته و بجای آن نباتات دیگری زراعت و بوسیلهٔ آن ها خسارات وارد را جبران سازد ؟

جامعه ملل نیز تقاضای ایران را پذیرفته و کمیسیونی بایران اعزام داشت . این کمیسیون که مرکب بود ازسه نفر عضو اصلی : یك نفر رئیس امریکائی ، یکنفر مهندس فرانسوی متخصص در فلاحت و یك نفر پروفسور ایطالیائی متخصص در گیاه شناسی در ماه مارس سنه گذشته بایران آمد و باغلب ولایات آن منجمله اصفهان و فارس و خوزستان و لرستان و بروجرد و کرمانشاه و همدان و عراق و آذربایجان و گیلان و خراسان مسافرت نمود . با اغلب طبقات اهالی از قبیل ملاکین و تجار و دهاقین و مستخدمین ادارات دولتی و اعیان و اشراف و غیره ملاقات کرده و در نتیجه تحقیقات خود رابورتی بجامعه ملل تقدیم داشت .

ما میخواهیم درین مقاله مفاد رابورت مزبور را بنظر خوانندگان محترم برسانیم . اما بیمورد نیست قبلا وضعیت ایران را از لحاظ کشت تریاك تشریح و اشکالاتی را که در تحدید آن وجود دارد گوشزد کنیم

***

امروز در اغلب ولایات ایران تریاك زراعت میشود مطابق تخمینی که وزارت مالیه بعمل آورده محصول سالیانه تریاك ایران حد وسط سه هزار خروار یاسیصد هزار من تبریز است — یکقسمت از این تریاك در داخل ایران مصرف میشود ومابقی بخارجه حمل میگردد . زراعت و تجارت تریاك برای دولت و طبقه زارعین و تجار دارای فواید عمده است و منع زراعت آن ضررهائی دارد که مجملا درذیل شرح میدهیم :

اولا — دولت از تریاك صادره و از مصارف داخلی مالیاتهائی بعناوین مختلف دریافت میدارد. عایدات سالیانه دولت از تریاك در حدود دو ملیون تومان یعنی تقریبا یك دوازدهم بودجه مملکتی است — چنانچه زراعت تریاك ممنوع شود یك قلم دوملیون تومان از عواید دولت کاسته خواهد گردید

ثانیاً — تریاك حدوسط یکمن سی و پنج تومان قیمت دارد — درصورتیکه محصول سالیانه را سیصد هزار من فرض کنیم مجموع وجوهی که در نتیجه زراعت تریاك عاید ملاکین و رعایای ایرانی میشود بالغ برده ملیون تومان خواهد گردید . حال اگر زراعت تریاك موقوف شود معادل ده ملیون تومان درسال از عایدات قلیلی که زارعین ورعایا دارند کسر میگردد .

ثالثاً درین سنوات اخیراً معمولا سالی هشت ملیون تومان قیمت صادرات تریاك ایران بخارجه بوده است واز حیث اهمیت پس از قالی تریاك مقام دوم را در صادرات ایران داشته است — چنانچه از صادرات تریاك ایران جلوگیری شود موازنه تجارتی که فعلا نامساعد بحال ایران است نامساعدتر گردیده و در هر سال ۸ ملیون تومان ازقوه ابتیاع ایرانیها کاسته میشود یعنی در واقع ایران از خرید این مختصر قند وپارچه هم از خارجه محروم خواهد شد . باوضعیت اقتصادی نامساعد فعلی آیاملت ایران طاقت چنین فداکاری را داشته و آیا حقیقةً منع صادرات تریاك بکلی تجارت ایرانرا محکوم بورشکستگی نخواهد نمود ؟

اینست اشکالات مهمی که تقلیل زراعت تریاك برای ایران ایجاد میکند یعنی بطور خلاصه در اثر این اقدام مالیه دولت مختل معاش رعایا و ملاکین مقطوع وتجارت مملکت در مخاطره واقع خواهد شد در مقابل این اظهار ممکن است جواب دهند که البته منع زراعت تریاك توام باادخال زراعت جدیدی دراین مملکت خواهد بود ودرینصورت برای دولت ایران مانعی نیست که بوسیله ادخال یا توسعه زراعتهای دیگر مانند پنبه و غلات خسارت وارده از منع یا تحدید زراعت تریاك را جبران کند .

امامتاسفانه زراعت تریاك طوریست که باوضعیت فعلی اقتصادی مملکت کمتر زراعتی ممکن است جانشین آن شود زیرا از یکطرف فقدان وسائل حمل و نقل واز طرف دیگر نبودن آب توسعه زراعتهای دیگررا فوق العاده مشکل میسازد .

گفتیم یك من تریاك سی وپنج تومان قیمت دارد — بواسطهٔ این قیمت زیاد تریاك تنها محصولی است که با فقدان وسایل حمل و نقل و گرانی کرایه قابل صدور بخارجه میباشد زیرا بالفرض تریاك از مراکز تولید. تا یك بندرگاه یا یك شهر سر حدی مجبور شود صد فرسخ مساحت را در خاك ایران طی نماید و بالفرض نرخ کرایه خرواری سه قران در فرسخ باشد بازمخارجی که ازبابت کرایه بقیمت اصلی تریاك اضافه میشود برای هر یك من از سه قران متجاوز نیست یعنی از یك صدم قیمت مال التجاره هم کمتر است و بنا بر این تأثیری در فروش آن ندارد.

اما فرض کنیم فلاح بخواهد بعوض تریاك گندم بخارجه حمل نماید. مخارج حمل گندم با تریاك فرقی ندارد ولی قیمت گندم بعوض یك من سی وپنج تومان خرواری ده تومان است بدین ترتیب مخارج حمل ونقل برای یکخروار گندم در صد فرسخ سی تومان یا سه برابر قیمت اصلی آن میباشد و یك خروار گندم بقیمت چهل تومان بسرحد میرسد . باین قیمت گندم در خارجه خریدار نداشته و بهمین جهت کسی بصدوران مبادرت نمیکند

پس در نتیجه فقدان وسائل حمل و نقل ارزان تبدیل زراعت تریاك بزراعت گندم یا امثال ان عملی نمیباشد .

از طرف دیگر در ایران اب فوق العاده کمیاب است . بواسطه فقدان اب است که با بودن زمین زراعتی زیاد و کارگر بیکار فراوان زراعت در ایران تا این درجه محدود بوده است یکی از علل رونق زراعت تریاك این بوده که چون حاصل ان دربهار بدست میاید فقط در اوایل بهار یعنی در مواقع فراوانی وارزانی اب باید مشروب شود ولی زراعتهای دیگر این وضعیت را ندارند باید در اواخر بهار و اوایل تابستانهم با نها اب داده شود اما چون درین فصل اب کمیاب و گران است تبدیل زراعت تریاك بزراعتهای دیگر بمانع کم ابی مصادف شده وبموفقیت منتهی نخواهد گردید

از مطالعات فوق این نتیجه گرفته میشود که برای تبدیل زراعت تریاك بزراعت های دیگر باید یکی از دوشق ذیل اتخاذ شود :

یا قبل ازهرگونه اقدامی موانع مقدماتی یعنی فقدان آب ووسائل حمل و نقل ارزان مرتفع گردد ؛

یا زراعت تریاك بزراعت هائی تبدیل شود که کاملا با زراعت تریاك از نقطه نظر اقتصادی یکسان باشد یعنی احتیاجی به آب نداشته و بتواند مخارج گزاف حمل و نقل را تحمل نماید

هر پرگرامی که یکی ازین دو شرط را رعایت نکند محکوم بعدم موفقیت خواهد بود

***

این بود اشکالاتی که دولت ایران را از مشارکت با مقاصد خیر خواهانه جامعه ملل باز داشته و انرا وادار نمود برای پیدا کردن راه حل، اعزام کمیسیون تحقیقی را بایران خواستار شود حال به بینیم کمیسیون مزبور چگونه این اشکالات را حل کرده است

کمیسیون منکر این اشکالات نیست ولی عقیده دارد که تریاك در مقابل منافع مالی و اقتصادی مضرات بزرگتری برای ایران دارد که عبارت ازتحلیل بردن قوای اخلاقی ملت وفراهم آوردن وسائل انحطاط وتنزل نژاد ایرانی باشد — چنانچه این منافع مادی را در یك کفه ترازو و مضار اخلاقی را را در کفهٔ دیگر بگذاریم یقیناً غلبه بامضار اخلاقی خواهد بود .

پس منفعت ایران اقتضا میکند بهروسیله باشد زراعت تریاك در ابتدا محدود گردیده بعد از مدتی ممنوع شود.

کمیسیون پس از این مقدمه تصدیق میکند که مقدم بر تحدید زراعت تریاك باید دو موضوع مهم آبیاری وحمل و نقل حل گردد و برای این منظور پروگرام ذیل را طرح می کند .

اولا — راجع به آب کمیسیون هم پی باین نکته برده که فعلا آب در ایران کمیاب است ولی علت عمده این وضعیت کمتر بواسطه فقدان آب و بیشتر بواسطه اینست که ایرانیها بلد نیستند از منابع ثروت طبیعی خود استفاده نمایند و قسمت عمده آبی که در مملکت آنها یافت میشود بدون استفادات فلاحتی بخار شده و یا بدریا و شوره زار میریزد پس با ساختن استخرهای بزرك در کوهستانها برای جمع آوری آب برف و با ساختن یك سد روی کارون و انتزاع یك قسمت از آب کارون برای اتصال آن بزاینده رود و بالاخره با استعمال موتورهای کوچك برای تلمبه زدن آب رود خانه ها و شرب اراضی مرتفع اشکالی که از نبودن آب ناشی است برطرف شده و آب بقدر کافی برای تبدیل زراعت تریاك بزراعتهای دیگر خواهد شد

ثانیاً — کمیسیون موضوع مهم حمل و نقل رامبسوطاً مورد مطالعه قرارمیدهد— اولا ازخود سئوال میکند آیا وضعیت اقتصادی ایران راه شوسه مفید تر است یا راه آهن کمیسیون پس از یك سلسله مطالعات به این عقیده منتهی میشود که راه آهن در ایران مخصوصاً راه آهن محمره بطهران و تبریز و انشعاب آن از شوشتر بطرف کوت العماره وبغداد و از تبریز بطرف بایزید وطرابوزان فوق العاده برای تشویق صادرات ایران مفید است ولی در عین حال احداث راه های شوسه عریض قابل اتومبیل رانی در تمام قسمتهای مملکت حائز نهایت ضرورت است— اگر ایران استطاعت داشت در آن واحد هم باحداث راه آهن و هم بساختمان خطوط شوسه بپردازد البته میبایستی هر دو را باهم شروع نماید ولی چون وضعیات مالی ایران اجازه توام کردن این دو اقدام را نمیدهد کمیسیون تصور میکند توجه ایران باید بیشتر بطرف خطوط شوسه معطوف شود وپیشنهاد مینماید که دولت ایران عواید کنونی خود و عوایدی را که در عرض سه سال بدست خواهد آورد بمصرف ساختن خطوط شوسه و یك خط آهن برساند .

بقیه دارد

دکتر حسن نفیسی

بمناسبت لایحهٔ تعلیمات عمومی

مربی لازم است

سالی پنجاه نفر تاده سال

قضایائیکه حقیقتشان مسلم است برای همه کس یك معنی ندارند و حتی فرد واحد هم در ادوار مختلفهٔ زندگانیش از یك‌حقیقت معانی مختلفه درك میکند. حکایات کلیلودمنه وافسانه های‌لافنتن (*Lafontaine*) در طفولیت، درسن بلوغ و هنگام کهولت دلپذیرند ولی در هر یك از این ادوار از جهات خاص و تازهٔ . . .

تجربیات وتوسعهٔ ذهن انسان‌مثل آنست که به نفس خاصیت اشعهٔ مجهوله بخشیده بتدریج قادرش میکند که نظر خود را از پیرایشهای حقیقت عبور داده بر خود آن دست بیابد. بالجمله همچنانیکه هر کسی به اندازهٔوسع معنوی خود ادراك حقایق میکند، از هرحقیقتی هم — بقول مشهور — بقدر « فهم و شعور » خودش استنباط مطلب می نماید.

از جمله چیز هائیکه حقیقتشان بقدری روشن‌است که ازامور بدیهیه بشمار میروند یکی‌این است: « سعادت هر قوم بسته‌بتوسعه و تعمیم تعلیمات بین افراد آنست ».

برای‌نگارنده مسلم شده که در اینجامعه نه تنها همه کس باین قضیه پی نبرده بلکه کسانی هم که به آن معتقدند از آن فهم ناقصی دارند

فعلا کار ندارم که این نقص استنباط‌از چه ناشی است زیرا توضیح این معنی ما را زیاد بحاشیه میبرد. اما دلیل‌حی وحاضر — و میتوان گفت رسمی — این نقص استنباط لایحهٔ است که اخیراً راجع بتعلیمات عمومی از طرف دولت تقدیم مجلس شده است!

منظور این لایحه اجمالا آنست که در طهران و ولایات عدهٔ زیادی مدارس‌ابتدائی دائر و اطفال را بطرف خود جلب نموده در مدتی قلیل اکثر اهالی مملکت را از سواد خواندن و نوشتن بهره مند سازد.

حالا اگر بنویسندگان لایحهٔ مزبور و بهوا خواهان تعلیمات عمومی بگوئید « آقایان چرابرخلاف ضرب‌المثل مشهور چاهرانکنده منار میدزدید » یعنی چرا قبل از اینکه بفکر تهیه معلم و مربی باشید خیال خام تعلیمات عمومی‌را در دماغ میپزید — جواب‌خواهند گفت « فعلا در هر شهر و هر دهی یك یا چند نفر آخوند و ملا پیدا میشودکه به بچها خواندن و نوشتن بیاموزد ».

اینجا است که دم خروس نمایان‌ونقص استنباطی که در فوق بان اشاره شد ظاهر میگردد!

اولاملاحظه کنید که با طریقه‌واسلوب تدریس ملای ده اطفال در عرض‌چهار سال (زیرا فراموش کردم عرض کنم که‌از جمله ابتکارات اخیرهٔ وزارت معارف تقلیل دورهٔ تحصیلات‌ابتدائی از شش بچهار سال‌است!) آنهم با صعوبتی که زبان فارسی ورسم‌الخط آن دارد چه سوادی پیدا خواهند کرد.

در ثانی، خوب دقت کنید که هویت اخلاقی و عقلانی طفلی که تربیت اولیه‌اش را ملا و رمال و دعا نویس عهده‌دار بوده اند چه خواهد شد؟ وقتی دراینده‌مقدمه بقدر کافی غور فرمودید آنوقت از شما می پرسم که طفل ما، بر فرض اینکه درضمن فرا گرفتن ملکات اخلاقی و رویه فکری استادان‌خود (!) کوره سوادیهم حاصل کرد چه استفادهٔ از آن خواهد نمود جز اینکه گاهگاهی‌برای خویشاوندان خود طلسم‌نویسی کرده، شبهای دراز زمستان در زیر کرسی برای انها کتاب های روضه و دعا یا بالاخره حسین کردو امیرارسلان‌بخواند؟ زیرا بایدبیقین بدانید که کوره سوادش باو اجازه نخواهد داد که حتی منشأت خیلی سهل و سادهٔ جنابعالی را بخواند و بفهمد قطع‌نظر از اینکه ترتیب اولیه او طوری صورت‌گرفته که منشأت شما در نظر او حکم کتب ضاله داشته آنها را اصلا قابل خواندن نخواهد دانست. اگر دراینخصوص شبهه دارید به عدهٔ اشخاص باسواد طهران (کسانیکه‌لااقل خواندن ونوشتن میدانند) و بشمارهٔروزنامه ها وکتب جدید الطبعی که (باستثنای‌آنهائیکه حکم حسین کرد و امیر ارسلان دارند) در شهر بفروش میرسد - یعنی خوانندهٔ دارد - رجوع بفرمائید.

این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که تعلیمات عمومی وسیله است‌نه‌غایت یعنی اجرای‌ان برای انست که جامعهٔ‌ازذلت و فلاکت نجات بیابد. باری تعمیم‌تعلیمات بشکل و طریقی که فعلا مجری است‌وبرای اینده نیز در نظر گرفته شده نه فقط ما را بمقصود نخواهد رسانید بلکه جامعه رابیشتر در منجلاب ذلت و بدبختی فرو خواهدبرد

اصول تعلیمات ما چیست؟ همانطوریکه به بعضی حیوانات حرکاتی را می اموزند و ابداً بشخصیت انها توجهی ندارند ما هم اطفال خود را همینطور تعلیم میدهیم یعنی فقط از انها میخواهیم که علاماتی را بذهن سپرده محفوظاتی حاصل کنند. سوادیکه بدین طریق بدست اید نه فقط مانع فساد اخلاق نیست بلکه انرا تقویت میکند. دلیل میخواهید؟ بیائید افراد با سواد طهران‌یعنی انهائیکه قادر بخواندن و نوشتن هستند. به استثنای عده معدودی — بالتمام بیك سو بگذارید و افراد بیسواد عامیرا که معمولا برای کسب معاش ببازوان خود تکیه دارند سوی دیگر قرار دهید و ایندو طبقه را با یکدیگر سنجیده به بینید تنبلی و تن‌پروری جبن‌و بزدلی، عدم رعایت‌حقوق‌همنوعان قساوت قلب‌سستی، و دوروئی وفرومایگی، بیمایه بلند پروازی، باردوش دیگران‌یعنی«طفیلی» بودن، سست‌پیمانی، بیعلاقگی‌بناموس‌وملکات فاضله و بطورکلی باصول دینی یا اخلاقی درکدام یك ازاین دوطبقه‌بیشتراست.

اگر از این موازنه همان نتیجهٔ را که من حدس میزنم بدست آوردید انوقت ناچار تصدیق خواهید کرد که سیستم‌ونظام فعلی معارف ما باید بکلی عوض شود و تعلیم وتربیت روی پایهٔ تازهٔقرارگیرد.

اگر در جامعه های دیگر تعمیم معارف مانع‌فساد اخلاق و مایهٔ نجات و فلاح است علتش آنست‌که دیگران ازتعلیم و تربیت معنی دیگر میفهمند و درمدارس ابتدائی آنهاوظیفهٔ اصلی آموزگار آنست که با جنبهٔ حیوانیت طفل معارضه کرده از طرفی ملکات‌نفسانی شاگردانرا، ازقبیل‌حافظه، متخلیه، ممیزه و اراده پرورش داده از طرف دیگرعادات مستحسنه‌اخلاقی‌وفکری مانند مردی‌ومردانگی ثبات قدم، صراحت قول و فعل وغیرآنرا ازهمان اوان کودکی در نهاد آنها ریشه گیر ساخته بوسیلهٔ ورزشهای عقلانی آنهارا آبیاری و تربیت کند تاوقتی شاگردان بحد رشد وبلوغ رسیدند روحاًنیز بواسطهٔ برومندشدن نهالهای سابق الذکر بالغ شده باشند

با اینحال البته ملتفت میشوید چرا در جاهای دیگروظیفهٔ‌معلمی مقدس و مهم بشمار رفته و خود آموزگار مورد احترام دولت‌و ملت‌میباشد ونیز تصدیق دارید که آموزگارانی از عهده ایفای‌این‌وظیفه برمیایند که مدارس مخصوصیرا طی کرده درفن تعلیم و تربیت تخصص پیداکرده باشد

لازم بذکر نیست که این فن درایران سابقه نداشته و ناچاریم آنرا هم مانند سایر فنون جدیده از دیگران بیاموزیم لکن شکی نیست که برای این کار نمیشودیك‌یادویاحتی بیست نفر متخصص خارجی استخدام کردبلکه باید عدهٔایرانی بروندبخارجه درانجاتربیت‌شده این‌فنرا فرا گرفته و در ایران ترویجش کنند.

باری چنانچه از جهل و فساد جامعه بتنك آمده بالاخره مصمم هستید در عرض ده الی پانزده سال تعلیمات عمومی واجباری را — بطوریکه از آن نتیجه مطلوب حاصل شود — در ایران برقرار نمائیدراه منحصر بفرد این است که‌ازامروز سالی پنجاه نفراز بین جوانهائیکه تحصیلات متوسطه خود را تمام‌کرده‌اند انتخاب و برای فراگرفتن فن تعلیم و تربیت باروپا اعزام دارید و این

نگارش فرانسوا کپه

تلخیص و ترجمه عبدالحسین میکده

یك کتاب دریك فصل

گناهکار

وقتی مادر خانواده بمیرد سعادت وشادکامی نیز خانواده را بدرود می گوید. کرتین *Chrétien* درخانهٔ قدیمی‌ساز پدرپیر خود هیچ‌قیافه بشاشی نمیدید وپدرش که‌بطور ارث‌شغل قضاوت را دا را بود همواره باقیافهٔ جدی پسر جوانش را بادامهٔ تحصیل در مدرسه شهر خود تشویق می نمود. زندگانی محدود و ترس ازخشم وغضب پدر اورا وادارمی نمود که باشاگردان مدرسه نیز طرح صمیمیت نریخته و باانها معاشرت خارجی نداشته باشد — در مدرسه فقط توجه او را یکی از شاگردان جلب نموده بود و اوطفل خورد سالی بود که هیچوقت بدروس خود اعتنا نکرده و درموقع درس کاریکاتور معلمین خودرا میکشید معلمین مدرسه از این طفل ناراضی بودند و باو وعده میدادند که درفقر ومسکنت‌خواهد مرد پیش بینی معلمین این طفل‌را وادار نمود که اساسا مدرسه‌را ترك گوید. چندی بعد شنیده شدکه(دونادیو) *Donadieu* به‌پاریس رفته‌است.

کرتین‌دورهٔ تحصیل مدرسه را به‌پایان رساند و پدرش برای اینکه کرتین تحصیلات قضائی وحقوق‌را تعقیب‌کند اورا ازمسقط‌الراس خود « کان » به‌پاریس‌فرستاد. —

کرتین از این مسافرت خیلی راضی بود زیرا دیگر قیافهٔ سرد پدرش را نمی دید و ازیك‌نواختی‌زندگانی دهاتی رهائی یافته بود و امیدوار بود زندگانی مخلوط به‌عشق و امیدی درپاریس پیداکند.

شنیده بود که محصلین بیشتردر « کارتیه لاتن » پاریس جای گزین هستند و بهمین مناسبت دران محلهٔ پرازغوغاسکونت اختیارکرد. حس‌خاموشی وانزوائی که مدرسهٔ «کان» در روح کرتین تولید نموده بود باو اجازه نداد که درپاریس نیزبتواند بزودی دوستانی پیدا کرده و ازلذات دوستی و محبت جوانان هم‌سن خود بهره مند گردد — ازغوغائیکه اختصاص به خیابانهای پاریس دارد اجتناب می ورزید و باطراف پاریس که طبیعت‌بیشتر درانجا تسلط‌دارد و غالبامیعادگاه دلدادگان و اشخاص غیراجتماعی‌است پناه میبرد.

همیشه تنها بود و بالاخره احساس کرد که‌این تنهائی مولود خوی و خلق اواست وجز او کسی مقصرنیست. اتفاقاً یك روزدیدرخیابان‌جمعیتی است و در وسط جمعیت پهلوانی باگویهای آهنین و سنگین بازی میکند اوهم ناظر این منظره شده دراین بین‌دیددستی بروی دوش او گذاشته شد واورا صدا کرد.

جوانی بود که قیافه و سیما اورا صنعتگرو نقاش معرفی‌می کرد. ریش‌مختصری عارض جوان اورا مستور نموده بود —

خوب کرتین این‌جا چه‌میکنی بیا باهم برویم‌منزل من دور نیست

کرتین اورا بدواً نشناخت و بعد به فراست دریافت که او دنادیو همان کسی است که کاریکاتور معلمین رامی کشید و چون گفته بود ندچیزی نخواهد شد پاریس رفته بود —

کرتین از این ملاقات فوق العاده مسرور شد و خواهش اورا پذیرفت نزد یك طویلهٔ رسیدند و دوست قدیم مدرسه خود را وارد طویلهٔ کرد این‌است‌خانه من‌مجسمه‌ساز ونقاش‌همواره‌دربدبختی غوطه‌ورنددونادیو گفت‌این‌اطاقرادرطویله‌کرایه‌کرده‌ام ودراین فضای‌ناپاك است که‌مجسمه‌های‌قشنك میسازم واورداطاق کوچکی شدندکه مجسمه ناتمامی در یکی از زوایای اطاق گذاشته شده بود. قدری گل وگچ هم به‌پای آن نثار شده بودو در طرف دیگر دو صندلی وتخت‌خواب شکسته نمودار بود.

اقدام را هم مدت ده سال ادامه دهید. درراس این مدت قریب یا نصد نفر متخصص اروپا، دیده خواهیم داشت که ممکن است در عرض همان مدت و بترتیب باز گشتشان بایران در دارالمعلمین هائیکه بتدریج در شهرهای مهم دائر میشود ـ تدریس وهزاران مربی ومعلم برای تربیت اطفال تهیه نمایند

حالا باید دید کدام دولت است که لایحه تعلیمات عمومیرا ازمجلس مسترد داشته آنرابر طبق نظریه فوق اصلاح یا مجدداً تنظیم نماید

علی اکبر سیاسی

جامعهٔ ملل

صیت شهرت جامعهٔ ملل امروزه بیش از هر مؤسسه دیگر بین المللی در افواه افتاده جراید مهم خارجه ستونهائی به درج اخبار و شرح عملیات آن تخصیص و علمای حقوق و رجال سیاسی هریك در رشته خود راجع بحال و استقبا ل آ ن نظریاتی اظهار می دارند .

گروهی محسنات و فوایدی زیاد برای این مجمع بین المللی قائل و حتی درتوصیف آن راه مبالغه می پیمایند دستهٔ دیگر بعکس با این اساس مخالفت و آنرا آلت اجرای مقاصد این وآن میدانند .

ما نمیخوا هیم خود را بهیچ یك از این دو فرقه بستگی داده و از ا نصاف هم دور میدانیم در آغاز تأسیس یك چنین مؤسسهٔ که تاکنون در روابط بین المللی سابقه نداشته و عمر کوچك آنهم برای قضا وت صا ئبی کا فی نیست نظر مخـا لف یـا مـؤا لـفی اظهار کنیم .

تنها بنام اینکه این مؤ سسه هر طور بوده است از قوهٔ به فعل آمده و تاحال شصت و پنج دو لت عضو یت آنرا قبول و دا ئره عملیات آن به تدر یج در اکثر شعب رو ابط بین المللی منبسط وبی شبهه امروز مهمتر ین مؤ سسه بین المللی محسو ب میگردد لاز م میدا نیم همه هفته اخبار و مسا ئل مهمی که راجع بجامعهٔ مللل پیش میاید در روز نامه ایران جوان در ج و مخصو صا در شمارهٔ نخستین برسم مقدمه خلاصهٔ از اسا س و تشکیلا ت و مؤ سسات منضمهٔ جا معه منتشر نمائیم تا نظر جامعی نسبت به این مؤسسه مهم بین المللی بدست آمده و موضوع مقالا تی که در این شما ره و شما رههای آتیه درامور مربوطه بجا معه مللل درج می شود بیشتر روشن گردد .

قسمت اول

جامعه و تشکیلات ان

۱ — جا معه ملل مجمع دائـمی ممالکی است که بعضویت قبول شده واساس نامه جامعه را که در حکم قانون اساسی است امضا نموده باشند .

برای اینکه مملکتی بتواند داخل در جامعه مللل بشود باید حائز دو شرط ذیل بـا شد : اولا — امور دا خلی خود را لااقل آزادانه اداره نماید

ثانیاً — وثایق کافی بدهد که صمیمانه مایل بحفظ تعهدات بین المللی است و نظاماتی را که جامعه مللل راجع به قوای بری وبحری آن مملکت ترتیب میدهد پذیرنده است

با این دو مقدمه و باموافقت سه ربع از دول عضو ، دولت داوطلب به عضویت جامعه قبول میشود .

مسیو کلمان سو بسمت ریاست کنفرانس صلح ورسای دولت ایران را در تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰ بعضویت جامعه ملل دعوت و از طرف دولت ایران هم بی درنك بیان موافقت شده و مجلس شورای ملی هم در ۹ جدی ۱۳۰۰ عضو یت ایرا ن را در جا معه ملل تصویب نمود

پیش از هر چیز باید این نکته را متذکر بود که جامعه مالل دولتی ما فوق دول نیست بلکه مجمعی است که هر یك از دول عضو در عین مشارکت حاکمیت ملی خود راتاما محفوظ و بهمین جهت مأمورینی که بجامعهٔ ملل اعزام میشوند فقط سمت نمایندگی هیئت دولت هر مملکتی را داشته و امضای آن ها برای جامعهٔ مملکتشان وقتی الزام آور است که بتصویب مقامات صالحه آن مملکت رسیده تمـام مدارج قـا نو نی دا خلی مملکتی را طی کرده باشد .

۲ ـ **اساسنامهٔ جامعه** عبارت از ۲٦ اصل است که اساس و تشکیلات و وظایف جامعه را تشریح مینماید متن اساسنامه مزبور در کلیه عهود صلحی که بین متفقین ودول اروپای مرکزی پس‌ازختم جنك بین المللی بسته شده مند رج و باین و سیله بر مبنای حقوقی ثابتی متکی است روح اساسنامه جامعه و قایهٔ صلح عالم و توسعهٔ تعاون بین المللی و رفع مناقشات فاصله و جلوگیری از تولید اختلافات دول است و بهمین نظر مؤسسات جا معه وظیفه دار ند که دول عضو را بـه تقلیل تجهیزات و حتی خلع سلاح و ایجاد طرق حکمیت و عقد قرار دادهای مودت و امنیت تشو یق و در کلیه مسائلی که بیم اصطکاك منافع دول و تز لزل صلح عا لم برود قبلا چاره جوئی کرده بوسیله تشکیل کنفرا نسها و عقد عهود لازمه بین المللی موجبات انجام منظو ر را فرا هم آور ند گو اینکه قبل از تاسیس جامعه ملل هم عقلا و فلاسفه در پی انجام مرامی که امروزه جا معهٔ ملل تعقیب مینمایند بوده و بنا به جدیت آنها کنفرا نس های سیاسی مهمی نیز از قبیل کنفرانس لاهه وواشنگتن و غیره ترتیب یافته و حتی وسایلی هم برای پیشرفت این مقاصد بین المللی در نظر گرفته شد ولی چون این اقدامات متشتت و مبانی حقوقی ثابتی را فاقد و بعلاوه سیاست دول مشارك در پرده و از افکار عمومی دور بود طبعاً موفقیت مطلوبه حاصل نگردید .

اکنون جامعهٔ ملل میخواهد بجای آن اقدامات متشتت قواعد و اصول مصرحی را سرلوحهٔ مرام خود قرارداده و بهمین جهت مؤسسات ثابت دا ئمی برای اجرا ی ایـن منظور تشکیل و ساعی است که عملیات خود را در تمام شعب روابط بین المللی که تصور اصطکاك منافع دول برود بسط دهد

۳ .ـ **تشکیلات جامعه** : اجرای وظایف جامعه به عهدهٔ دو هیئت محو ل است :

مجلس عمومی و شورای جامعه

مجلس عمومی که عادتاً یك دفعه در عرض سال [در اوا یل سپتا مبر] تشکیل میشود مرکب از نمایندکان کلیه دو ل عضو است و هر دولتی خواه بزرك و یا کوچك حق دارد سه نفر نماینده که مجموعاً دا رای یك رای هستند بمجلس عمومی اعزام نماید جلسات مجلس عمومی که بوسیله یکنفر رئیس ودوازده نفر نایب رئیس اداره میشود علنی است ؤ صلاحیت آن راجع بتمام مسا ئلی است که داخل در وظایف جامعه ویا مر بوط بصلح عالم میباشد خط مشی کلی عملیات جامعه را نیز مجلس عمومی مقرر میدارد .

شورای جا معه : مرکب از ٥ عضو دائم [انگلیس — فرانسه — ایطالی ـ ژاپون — آلمان]

و ۹ عضو غیر دا ئم [لهستان — رومانی — شیلی — هلاند — چین — کلمبی — بلژیك — چك و اسلوا کی وسالوا در است اعضاء غیر دائم شوری بطر یق تناوب از طرف مجلس عمومی انتخاب می شوند صلاحیت شورای جامعه مانند مجلس عمومی شامل تمام اموری است که داخل در وظایف جامعه ویامربوط به صلح عالم است و چون عدهٔ اعضاء آن کمتر از مجلس عمو می است به حکم طبیعت اختیار اجرای تصمیمات مجلس عمومی، و انجام امور جـامعـه و حـل و تسو یـه اختلافات سیاسی روزانه بین المللی به عهدهٔ شوری محول است .

جلسات شوری هم مثل مجلس عمومی علنی است ولی در صورت اقتضا ممکن است بطور خصوصی هم بطور سری جلسا تی تشکیل شود در آنصورت غیراز نمایندگان دول عضو

— به بین عزیزم این است کارمن . من اقتدا به تراوشات روح خود میکنم و مجسمه می سازم . حالا توجه میکنی« کرتین »علت ورود خود را به پاریس مجملا بیان کرد و مایل بود از جزئیات زندگانی رفیق خود اطلاع یابد که ناگها ن درب اطاق باز شد و دختر جوانی وارد شد . باقیافهٔ خندان وروحی بشاش سلام کرد وباحرارت عشق روی (دنادیو) را بوسید. . دونا دیو کرتین را به معشوقه خود به عنوان دو ست قد یمی و محصل حقوق معرفی کرد و بعد روبه کرتین کرد و گفت مادموازل« کلاریس»معشو قه ورفیق عمر من است سا بقاً رخت شوی بوده ولی حالا با یکدیگر زندگی میکنیم وامیدوارم اگر وضع مالی اجازه داد قریباً عروسی کنیم. دراین بین کلاریس کراواتی را که در کاغذ نازك پیچیده و بسته بود به دونادیو تقدیم کرد

— نمی دانی چقدر کلاریس را دوست میدارم همیشه مایلم با او باشم . اگر او نباشد من موجودی بی روح خوا هم بود عشق او است که مرا وادار به ترا شیدن مجسمه از گل و گچ می کند والا مملکت مشوق صنعت و صنعتگر نیست درنما یشگاه مجسمه من مورد توجه شد و بجای پول که وسیله حیات است یك قطعه نشان بمن عطا کردند این است تنها تشویقی که می شود — کرتین از صداقت دونادیو وخیالات آ زاد او خیلی خوشوقت شدو بخو د می گفت : کاش من هم از خا نوادهٔ غیر معروفی بودم و می تو انستم چنین رفیقی داشته و بالاخره می توانستیم یك چنین عنصری برای شرکت در زندگانی خود انتخاب کنم .

کرتین مجذ وب ز ند گا نی بی آ لا یش این دو نفر بود و حرفی نمی زد و دونادیو مشغول مجسمه سازی شدو کلاریس اورا کمك می کرد و گاهی بطور نمونهٔ و سر مشق «مدل» بدون حرکت در آن اطاق سردمدتی می ایستاد .

— این مجسمه ازهمه بهتر خواهد شد زیرا کلاریس « مدل » ا ست . عشق و علاقه از کوچکترین حر کت این دو نفر نسبت به یکد یگر نمودار بود . را ست است که در تنك ترین مکان جای کافی برای دو نفر عاشق همیشه یافت میشود .

اگر دیگران در این اطاق و این طویله سکونت داشتند شاید خود کشی میکردند ولی این اطاق محقر برای آ نها بهترین مامن و آشیانه بود . ـ کرتین ساعتی آ نجا مانده و بعد ازدوستان خودخدا حافظی کرد . . در راه باخیال این ز ند گا نی پر ا ز صمیمیت و عشق راه می رفت و بخود می گفت : افسوس که پدرم را می شناسند و من نمی توانم از چنین زند گانی دلنوازی که مشحون به عشق و علاقه است برخوردار گردم . راستی اگر عشق هست در طبقهٔ فرودین جامعه است روح همان رخت شوی که معشوقه دونادیو است از گنجشکان جنگل شادمان تر و روی او از برك گل بهاری لطیف تر است .

جنك عقل و قلب با عادات و خرافات جنك غریبی است . ضمیر کرتین معرض چنین نبردی بود و بالاخره او هم تصمیم گرفت که عنان عقل را بدست احساسات داده به عادات و خرافات پشت پا زده و درمنزل خود بنیاد عشق و علاقه را استوار سازد . ـ

روز دیگر پیش رفیق مجسمه ساز خود رفت و از او استمداد نمود «د و نا د یو» گفت عزیزم هر کسی باید برای خود مطابق سلیقهٔ خود تجسس کرده وشریك زندگی پیدا کند و در نتیجهٔ چنین فهماند که قادر به انجام خواهش او نیست .

کرتین بالاخره بارزوی خود رسید . دختری که سابقا گل فروش بود توجه او را جلب کرد . کرتین اززندگانی وخیالات خوداورا اگاه ساخت.

این دختر از آن موجودات عفیف و صاحبدلی بود که میخواست جوان نجیبی را که قابل عشق ورزی باشد پیدا کند مدتی بود که در یکی از ادارات تجا رتی انگشتان ظریف او با حروف الفبای ماشین تحریر بازی می کرد و هر روز چندین کاغذ تجارتی

شوری و مدیران دار الانشاء جامعه دیگری حق حضور ندارد .

٤ ـ کمیسیونهای جامعه : محض معاونت بمجلس عمومی و شورای جامعه و برای اینکه در مسائل مهم بین المللی مطالعات دقیقه بعمل آمده و از روی موازین علمی و عملی اظهار نظر شده و تهیه زمینه برای اتخاذ تصمیمات مجلس عمومی و شوری فراهم شود کمیسیونهائی از متخصصین تشکیل شده است بعضی از این کمیسیونها دائمی است مثل کمیسیون نظامی و بحری و هوا پیمائی — کمیسیون ممالك تحت قیمومیت جامعه — کمیسیون تعاون علمی — کمیسیون تریاك [دراین کمیسیون راجع به کشت واستعمال تریاك مطالعاتی شده ووسایل اعزام میسیون بین المللی را که در اول امسال برای مطالعه در امر تریاك ایران وپیدا کردن طرق تبدیل آن به محصولات دیگر، به ایران آمد فراهم نمود . شرح مطالعات ونظریات میسیون مزبور درجای دیگر همین شماره بقلم آقای دکتر حسن نفیسی نگاشته شده است).

بعضی دیگر ازاین کمیسیونها موقتی است مثل : کمیسیون مقدماتی کنفرانس خلع سلاح — کمیسیون محاصرهٔ بحری — کمیسیون اصلاحات اساسنامه جامعه — کمیسیون توحید و تدوین حقوقی بین الملل — کمیسیون مقدماتی کنفرانس بین المللی اقتصادی وغیره

این کمیسیون های موقتی برای مسائل معینی تشکیل و پس از انجام وظیفه فوراً منحل میشوند چنانکه کمیسیون مقدماتی کنفرانس اقتصادی بین المللی همینکه موجبات تشکیل کنفرانس مزبور را که بنا است در ماه مه ۱۹۲۷ [سه ماه دیگر] در ژنو تشکیل شود و دولت ایران هم بمشارکت در آن دعوت شده است فراهم نمود بلافاصله انحلال خود را اعلام داشت

علاوه بر کمیسیونهای فوق هر وقت هم مسائلی پیش آید که بدون شرکت اهل فن و یا تحقیقات محلی حل و تسویه آن میسر نباشد کمیسیون مخصوصی از طرف شوری ایجاد میشود . کمیسیون تفتیش جزایر آلاند کمیسیون تفتیش آلبانی — کمیسیون ممل — کمیسیون موصل و سرحد عراق و ترکیه ازاین قبیل است .

۵ ـ شعبات فنی : غیر از کمیسیونهائی که فوقاً تشریح شد سه شعبه نیز بهاسم شعب فنی در جامعه ملل وجود دارد .

اول — شعبهٔ ارتباط و ترانزیت — دوم شعبهٔ اقتصادی و مالی — سوم شعبهٔ صحی .

وظایف شعب سه گانه مزبور اینست که روابط گمرکی واقتصادی و مالی وصحی بین المللی را تحت مطالعه قرار داده مشگلاتی را که مشاهده مینمایند در نظر گرفته و پس از تبادل فکر با متخصصین و اشخاص ذی فن ممالك مختلفه که صلاحیتشان مورد تصدیق عموم باشد طریقه حلی پیدا نموده و طرح قرارداد هائی که رفع مشگل را بنماید بدون عطف توجه بنظریات سیاسی تهیه وبشوری و مجالس عمومی تقدیم نمایند تا کنفرانس هائی از دول مربوطه تشکیل و بوسیله عقد قرار داد های لازمه از اختلافات محتمله جلوگیری شود.

(اعزام دکتر گیلمور به ایران و مطالعات او در اوضاع صحی این مملکت و مساعدت در اعزام یکنفر طبیب ایرانی برای مشاهده تشکیلات صحی اروپا در نتیجه نظریات شعبه صحی بوده است) بقیه دارد

محسن رئیس



اقتباس ازمقاله دکتر برتران مندرجه در روزنامه «ماتن»

قوانین صحی

اگر میخواهیم زندگانی طولانی کنیم بایدقوانین صحی را بیاموزیم ولی کی انها را بما یادمیدهد ؟

عمر انسان باید صد و چهل سال طول بکشد . زیرا ماشین انسانی قویست وبدبختانه ما از راه بردن آن عاجزیم . پس چه باید کرد و بچه طریق بایدرفتار نمود ؟

هیچ فقط باید برطبق قوانین طبیعی زندگانی کرد. ماجدا نیستیم ، مادر میان عالم متحرکی که قوای متعددش درما اثر میکند زندگانی کرده سیر تکامل خود را مینمائیم وبراثر یك سلسه تبدیلات دائمی است که همیشه زندگانی مانرا ادامه داده با محیط اطراف تطابق میدهیم .

تعادل عواید ومخارج یکی از اولین قوانین است . « اسکیمو » با چربی زیاد که به مواد غذائی زندگانیش میافزاید سرما را مغلوب میسازدچه استعمال چربی مخصوصاً گرما تولید میکند

بر عکس چند عدد خرما ومختصری شیر شتر برای عربی که در صحرا وشنزار های گرم زندگانی میکند کافی میباشد وتعادل آنرا حفظ مینماید

کسی که عضلاتش رادرهوای آزاد بکار میاندازد به مواد مغذی ما نند الکل و قند احتیاج دارد

نمك های معدنی وفسفات که اغذیه پرقوتی هستند برای طفل لازمند چه استخوان بدنش راتقویت کرده وذخیره برای اودرست میکنند

تمام این مسائل برای آنهائیکه بخواهند قوانین صحی را بنظر آورند ساده و منطقی است .

مرض جزیك عدم توافق چیزدیگری نیست مرض تعادل ازمیان رفته است ودرد انسانرا باین نکته متوجه میسازد .

اگر یکنفر دراطاق دفتری باقی بماند و روزانه یکی دوساعت عضلاتش را درهوای آزاد بکار نیاندازد طبیعتاً از افتاب استفاده نکرده اکسیژن باندازهٔ که کافی برای سوزانیدن موادباشد تنفس نمینماید وبنابر این کم کم مسموم شده و متدرجا مریض گردیده پیر میشود

اعتیاد بورزش خود یك نوع دردیست در میان قوانین طبیعی بکار انداختن زیاده از حد اعضاء منائی ندارد

کسی که نداند زندگانی یك منازعه است وبنابرین باید خود را حاضر برای جنك نمود همیشه ترس امراض « اپیدمی » را داردو در عوض اینکه آب جوشیده را فقط برای مواقع خطرناك نگاهدارد همه موقع انرامیخورد ودراینصورت مرض مترصد بوده باولین فراموشی مبتلایش مینماید

دیگری که تمام در هارابسته وازاوضاع هوا میپرسد و هزاران احتیاط میکند درتحت مخاطرهٔ دشمنانی چون خورشید باران و و سرما میباشدو باولین ظهور «گریپ» دچارش میسازد زیرا بامحیط خود را موافق نساخته است .

زندگانی کردن بروفق طبیعت بزرگترین قانون تعادل زندگانی میباشد .

ما میدانیم که زندگانی عصر حاضر قسمت های ناسلامتی رادارا است ولی بالاخره احساسات درونی انسانی که صدای طبیعت است فاتح خواهد شد .

اگر امروز تمایل به ورزش شدت پیدا کرده است دلیل « مد » نیست و بلکه احتیاج آنرا پیش اورده

تنها علم نمیتواند امراض را ازمیان ببرد و ما نباید توقع داشته باشیم که بوسیله ان زندگانی را طولانی کنیم

فتوحاتی که در منازعه باامراض « اپیدمی » نصیب ماشده است فتوحات ناقصی هستند

آبله محو میشود سل و سرطان فردا از بین خواهند رفت ولی امراض مزمن از یك قرن قبل پنج برابر شده اند و علما در مقابل آنها کاری نمیتوانند .

را پاکنویس می نمود

دیدگان او از آسمان رنك آبی لاجوردی راگرفته و ابروان نازکش بر جاذبهٔ چشم او می افزودند .

کرتین رفیق خود را به مجسمه ساز ومعشوقه او معرفی کرد و غالباً ایام بیکاری را باتفاق یکدیگر می گذراندند

چه خیالاتی که برای آتیه خود نمی کردند و چه قصه هائی که برای آسایشگاه خود در عالم خیال بنا نمی نمودند

دونادیو می دانست که کرتین با حرفه و شغل آتی خود نمی تواند به خیالاتش صورت واقعی بدهد و همیشه از آینده، آنها هراسناك بود .

تعطیل تابستان فرا رسید و کرتین به کان مراجعت کرد . در این دوری آتش عشق تیز تر شد و هر هفته کاغذی بود که از کان به پاریس نوشته می شد .

کرتین به پاریس رجعت نمود و همان عالم عشقبازی تجدید گشت . بالاخره تحصیلات کرتین خاتمه یافت و برای اینکه از عهدهٔ امتحانات خود بخوبی بر امده بود پدرش با وجود بخل وخستی که داشت ۸۰۰ فرانك برای او فرستاد و بطورغیر واضحی معلوم بود که این پول را برای خوشگذرانی و آخرین تفریح پسرش داده است .

چندروز بعد به مسقط الراس خود از طرف پدرش دعوت شد . چند سال علاقهٔ را که ذخیره کرده بود باید فراموش کند کرتین باید برای امورقضائی در محاکم عدلیه کان پشت میز های رسمی بنشیند و از عشق و محبت چشم بپوشد

پیرت را خواست و باو گفت باید فوراً با ترن ساعت ۸ بعد از ظهر به کان مراجعت کنم . این عبارت چنان در دختر تاثیر کرد که دیگر قوت صحبت برای او باقی نماند . بعد از چند دقیقه خاموش و انقلاب با صدای لرزانی گفت خوب عزیزم من چه باید کنم اگر آبستن نبودم . . . در این موقع گریه و حجب عبارتی را که برای کرتین موحش بود قطع کرد . — اما همین عبارت نا تمام بحد کافی برای انقلاب حواس کرتین کافی بود . —

کرتین ساکت ماند و اگرچه متوجه قیافه اشك آلود معشوقهٔ عزیزش بود معهذا در حالت بهت و حیرت ماند

چه خبر موحشی . یك نفر قاضی بدون اینکه عروسی شروع شده باشد دارای فرزند شده است . آه کرچه وسیلهٔ بدست دشمنان و مخالفین اتی من خواهد افتاد . — پدرم چه خواهد گفت

بعد از چند دقیقه سکوت گفت گریه مکن . ترتیب این کار را خواهم داد قبل از ساعت ۸ به گار راه آهن بیا و از تصمیم خود مطلعت خواهم کرد . خدا! حافظی این مرتبه بر خلاف سابق سرد و بی امید بود .

کرتین مدتی در فکر فرورفت و حلقه های دود سیگار را تماشا میکرد که در فضای اطاق متدرجاً نابود میشدند

پیرت رفت . و بعداز مدتی تفکر کرتین گفت قبل از ساعت ۸ به کان می روم که این منظره رقت آور دیگر مکرر نشود کاغذی به پیرت نوشت واظهار داشت که خبر ناگهانی

معالجه در خود ماست ولی مانمیخواهیم بان متوجه شویم چه‌وقت نداریم و منافع مادی را برمنافع صحی ترجیح میدهیم طبیب رابهمان چشم مکانیك چی خود نگاه میکنیم و گاهگاه باو میگوئیم : « دکتر من درد معده‌دارم‌زود مرامعالجه‌کنید. وقت ندارم کارم زیاداست» چندمرتبه دوامیخوریم ولی ماشین انسانی مانندماشین معمولی گاهی بنزین‌دانش سوراخ‌میشود وروزی موتورش خراب‌میگردد وروز سوم قسمت دیگرش ضایع‌میشود

دیگرکاری نمیتواند هرطرف را درست میکند طرف دیگر خراب میشود . ما شین مستعمل شده‌است

درد را خودمان تهیه‌میکنیم. تنها موظف‌بودن بحفظ نظم صحت اجتماعی و عقیده داشتن به تقوای اطباء کافی نیست این مثل این است که سر را زیر لحاف کرده از قضا و قدر بهبودی امور را بخواهیم ،

سر سلامتی و طول عمر در نزذ خود ما است و ان شناختن و احترام کردن قوانین طبیعی میباشد ولی باید انها را شناخت اما کی انها را بما یاد میدهد ؟

این نقص بزرك تربیت کنونی میباشدما ،اطفال هر قسم کاری را یادمیدهیم ولی ازیاددادن قوانین سلامتی خود داری‌میکنیم .

ما احتیاج به معلم ومربی داریم باید حفظ الصحه بدن و روح هم روزی پیشروان ومعابدی داشته باشد انروز اشعه خوشبختی عالم انسانی را خواهد پوشانید این‌قبیل نیکو کاران‌را مامنتظریم

مشفق کاظمی

بقلم علی سهیلی

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

C. C. C. P.

L'union des Républiques Soviétiques Socialistes

باید بخاطر داشت که در موقع جنك بین‌المللی علاوه بر آنکه قوای متخاصمین در میدانهای جنك در مقابل هم صف آرائی کرده وخون یکدیگر را میریختند در داخله غالب ممالك هم مبارزاتی در کار بود که‌تنایج آن نیز خیلی مهم ودر تغییر وطرز تشکیلات ممالك اروپا تأثیرات کلی بخشید

طول مدت جنك « ویرانی ممالك »ادامه خونریزی بسته شدن کارخانجات ، از میان رفتن منابع ثروت ، براوز فقر و وفلاکت وبالاخره گرسنگی دستجاتی را که مضار جنك مستقیماً بانها تحمیل میشد ودر حقیقت برای نان شب محتاج شده بودندبه تنك آووده حرص و آز سرمایه داران را سبب جنك تشخیص داده و در مقابل آنها قیام نمودند . قوت آنها موجب شکست و از پا درامدن دول یکی بعداز دیگری گردیده ضمناً طرز حکومتها تغییر وتشکیلات جدیدی بروز کرد که درصفحات تاریخ فصول‌جداگانه برای انها باز شده است از جمله وقایعی‌که رخ نمود انقلاب کبیرروسیه و طرزتشکیلات و حکومت‌ان‌مملکت است . مادر تحت‌عنوان فوق « اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که جابشین حکومت تزازی روسیه گردیده میخواهیم اطلاعاتی بقارئین محترم بدهیم و درحقیقت منظورما آن است که‌یکی‌ازهمسایهای خود رابهموطنان‌بشناسانیم‌چه معتقدیم همانطور که یك نفروقتی محلی برای سکنای‌خود اختیار میکند شاید مقدم‌بر هر چیز میخواهداطلاعات کافی از همسایگان خود بدست اورده و بداند در چهار سمت او چه کسانی مسکن نموده اند یك ملت هم باید در مقام تحقیق بر آمده از حالات و روحیات و اوضاع سیاسی و اقتصادی و بالاخره مقاصد ونیات همسایهای خود اطلاعات لازمه‌بدست آورد تا بتواند طرقی برای طرز معامله و روابط خود ایجاد کند .

شك نیست پس از جنك بین المللی بواسطه رغبت عمومی بقرائت جراید وکسب اخبار و همچنین تسهیل مسافرت بممالك اروپا کم‌وبیش افکار عامه روشن‌شده‌واطلاعاتی ازدنیابهمرسیده است‌ولی اگرخوب‌دقت نمائیم‌خواهیم دید هنوز نسبت بخارجیها در میان عامه عقاید غریبی‌است که حاکی از عدم اطلاع ازاوضاع و کیفیات آن ممالك است . بطور کلی‌افکار در ایران نسبت باجانب خصوصاً همسایهای شمالی و جنوبی در افراط و تفریط سیر می کند ما نه طرفدار آن کسی هستیم که در اوایل جنك بین المللی گفت : « اگر ایران با روس داخل جنك شود یك‌شاهسون با چوب چندین سالدات را بانطرف ارس خواهد راند ... » ویا آن روزنامه نویسی که تقریباً درچهار سال قبل بمناسبت بعضی تایجی که از کودتا حاصل شده بود یکمرتبه بریطانیا را مورد حمله قرار داده ونوشت : « لرد کرزن شب خواب راحت ندارد ... تخت وتاج «ژرژ» بلرزه درآمده و ...و...» و نه همعقیده با آن کوته نظر هائی که همیشه مأیوس و در هر موقع قیافهٔ نا امید خود را جلوه داده و منتظرند .... بیایند و ایران را آباد و اداره کنند . ما طرفدار اشخاص با اراده و افکار جوانی هستیم که معتقدند ایران مال ایرانی است باید کارکرد تا بسر منزل‌مقصود رسید و باید همان راهی را که دیگران‌رفته‌اند برای‌نیل بسعادت پیمود

قبل از شروع بمقصود از ذکر این نکته ناگزیریم که نسبت به اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی حب و بغض نداشته و بهیچوجه قصد نداریم عقاید وافکاری که امروزه حاکم بر آن مملکت است میان ایرانیان تبلیغ ویا از آنها انتقاد نمائیم . چه نسبت به تمام همسایگان تا آنجائی که سکته به حیثیت و استقلال ما وارد نیاورده اند وحق‌حاکمیت ما را متزلزل‌نکرده اند بنظر احترام نگریسته و معتقدیم معاملات ما نسبت بانها باید کاملا دوستانه بوده و بتمام آنها بنظر مساوات و بیطرفی نگاه کنیم و در ضمن حفظ حیثیات وحیات سیاسی و اقتصادی خودمان باظهارات حقه آنها هم (اگر داشته باشند) بیطرفانه گوش کنیم تا بتوانیم مناسبات حسنه را حفظ و ضمناً بترقی و تعالی مملکت خود بکوشیم

***

درتحت این عنوانی که ما اختیارکرده‌ایم نوشتنی خیلی زیاداست چه بسا برای توضیح بعضی مطالب محتاج بذکر مقدمات و تاریخ قضایائی باشیم فعلا برای مقصودی که داریم (شناساندن‌اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی) بشرح ذیل میپردازیم وامید واریم تا آنجائی که مقتضی باشد مطلبی را نا گفته نگذاریم

وضع جغرافیائی آن

حدود

شاید بی فایده نباشد قبلا اطلاعات‌مختصری ازاوضاع جغرافیائی‌اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بیان کنیم

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با بقول خود روس‌ها س‌س‌س‌ر جانشین همان روسیه عظیم سابق است باستثنای بعضی از قطعات از قبیل فنلاند استونی لهستان وغیره که پس از جنك و بروز انقلاب هر یك ممالك مستقل جداگانه را تشکیل دادند .

اتحاد جماهیر شوروی فعلی تمام اروپای شرقی و قسمت شمالی آسیا را شامل میباشد که از تنگه بهرنك (۱) (منتها نقطه شرقی خاك روسیه) تا لهستان امتداد داردمجموع طول سرحدات بحری و بری اتحادجماهیر شوروی تقریباً ۶۵۰۰۰کیلومتر است که قریب ثلث آن حدود خاکی است

ممالك هم سرحد با آن دولت از طرف اروپا فنلاند ، استونی ، لیتوانی ، لهستان و رومانی واز طرف آسیا دول ترکیه ،ایران، افغانستان ، چین ، مغولستان ، منچوری ، ژاپون (کره) آنرا احاطه کرده اند

در این جا از شرح تفصیلی خطوط سرحدی آن مملکت صرف نظر میکنیم‌ولی زائد نخواهد بود که از آنچه راجع بخط سرحدی بین ایران واتحاد جماهیر شوروی است ذکری بکنیم واگر در این قسمت‌قدری به تفصیل پرداخته شده فقط از نظر اهمیت آن است و الا منظور و مقصود دیگری نداشته ایم

یکی از یادگارهای زمان سلاطین‌قاجاریه که یك قرن مذلت ایران را باعث گردید تایج حاصله از جنگهائی است که در زمان فتحعلی شاه بین روسیه و ایران واقع شد .

(1) *détroit de Behring*

کسالت پدرم وادار نمود قبل از ساعت ۸ حرکت کنم تورا بی‌خبر نخواهم گذاشت و تورا هزار بار میبوسم —

این عبارات باز دل « آندختر ابستن » راامید وار نگاهداشت و بی‌اختیار در پشت میز تحریر خود بدون رعایت اینکه دختران متوجه او هستند شروع بگریه نمود . اگر گریه نمی کرد چگونه میتوانست الام مشتعل را تسکین دهد . — چقدر احساسات‌مردم را بعضی حقیر میشمارند هیچکس از آن همکاران نمیخواست علت این گریه‌را بفهمد ولی‌این گریه راوسیله تفریح وسرزنش آن موجود بدبخت قرار دادند

یکی از دوستان او که بیشتر فریب‌مردانرا خورده بودومحبوب‌تر بود باونصیحت‌کرد و قابله‌را باومعرفی نمود که‌ممکن است پیش‌او وضع‌حمل نماید

این قابله گر چه دارای قلب رأوف و طبع‌بشاشی بود ولی قیافه کریه و زشتی داشت .

پیرت پیش او رفت و درد خودرا با خجلت و شرم اظهار نمود . آن‌ماماکسی نبود که‌از این وقایع بی خبر باشد و چون هرروز از این مرضی داشت باآرامش و بشاشت باو وعده داد که مولود اورا نیز بخانه خواهد سپرد که از این اطفال بی‌پدر پرستاری می کنند . — بعد از این باورق بازی برای او فالی گرفت و گفت : رفیق تو تورا دوست‌می دارد ولی‌یکدیگر رانخواهید دید این پیش‌گوئی ها قلب ... رامی لرزانند و به کسی که اورا باین روز نشانده بود نفرین میکرد . ای کسانیکه نمیتوانید باری از روی دوش موجودبدبخت بردارید چرا دیگر اورا در آتش خانمان سوز بی‌عفتی می افکنید بربدبختیهای او میافزائید برای یك حظ جمانی اورا سیاه روزتر خفیف تر میکنید و خودتان را از نظردور میکنید .

بیچاره پرت سه هفته برای وضع حمل‌در مریضخانه .... بستری بود و بر بیکسی خود اشك میریخت . اتفاقاً مولود او پسر بود و از هر حیث به کرتین شباهت داشت اسم او را کرتین فورژا گذاشت و به خانهٔ که این قبیل اطفال بیکس را پرستاری میکردند سپرد . —

اما مخارج قابله و ماهیانه آن طفل‌را که خواهد داد . مگر باحقوق قلیل‌تجارتخانه ممکن بود این مخارج را تادیه کرد دیگر لباس های قشنك پرت را بدرود گفتند دست ظریف او دیگربی دستکش دیده می‌شد و باز با وجود این صرفه جوئی‌ها همیشه پرستار فورژا طلبکار بودوازطرز تأدیه‌ماهیانه‌شکایت داشت

روز های یکشنبه پیرت بدیدن طفل خود میرفت .چه طفل آرام‌و ساکتی‌بودصدای ناله او هم شنیده نمیشد اما طبیعت فریاد آن طفل بد بخت را هم بگوش سنگین ابنساء روزکار خواهد رساند .

یکی از روزهای یکشنبه در موقع مراجعت از پیش فرزندش در درشکه با یکی از عملجات آشناشد عمله که اسمش « دوربه » بود باگر می صحبت میکرد و نگاه‌های نافذی به پیرت می کرد پیرت تصور میکرد دام تازهٔ برای او گسترده می شود بنابراین بیانات او را باسردی استقبال میکرد اتفاقاً روز یکشنبه دیگری بااو مصاحب شد دوربه اظهار داشت که او زنی داشته که بالاخره فریب دیگران را خورده و به شهر بردو رفته است و چون نمی‌تواند تنها زندگی کند مایل است شریك دیگری برای‌زندگانی خود پیدا کند

نامه های بانوان

قضیه دیشب



معصومهٔ عزیزم — البته تعجب خواهی کرد که پس از سالها سکوت بزبان آمده یادی از تو میکنم . باورکن که در عرض این مدت هیچگاه ترا فراموش نکرده ام و اگر ازارسال مراسله خودداری داشتم برای آن بود که نمیخواستم ازگذارشات غم انگیز و احوال پرملال من غبار کدورت بخاطرت بنشیند . حالاهم اگر قضیه دیشب پیش نیامده بود تصدیعت نمیدادم ..

اما پیش ازاینکه از قضیه دیشب صحبت بدارم ناچارم شرح پانزده سال شوهرداری خود را بطور خلاصه برایت بنویسم

درخاطر داری که پانزده سال پیش ازاین، وقتی دخترخانه بودم بواسطه صباحت منظرم همه روزه خواستکار منزلمان میامد . چون والدینم نذر کرده بودند مرا بسید بدهند بالاخره تقدیر خواست که شوهر فعلی نصیب من بشود . مطابق تعلیماتیکه مادر مرحومم بمن داده بود دوست داشتن شوهر را وظیفه دینی خود میدانستم و مطیع محض او بودم . در نظر داری که چقدر بچه ها را دوست میداشتم وهمیشه آرزویم این بودمادربشوم یعنی خودم بچه پیدا کنم .

شش ماه بعداز عروسی یك نوع نقاهت غریب گریبان گیرم شد که تاآنروز نظیر شرا ندیده و نشنیده بودم . دردها و سوزش‌های جانگذاری که در قسمت رحم خود احساس می کردم همه را ناشی از حامله بودن و لازمهٔ آن میدانستم و عشق پیدا کردن بچه چنان درمن شدید بود که تمام آن درد وزجر را تحمل کردم وتا موقع وضع حمل حتی یك کلمه از سوزوگدازجسمانی خودم باهیچکس ، حتی با مادرم ، حرف نزدم .

حالا موقع وضع حمل چه عقو بتهائی کشیدم وچطور مرگرا برای العین مشاهده کردم وبچه ترتیب قابله فرنگی جگر گوشه ام را بااسباب جراحی تیکه تیکه بیرون آورد ، شرحش اسباب دردسرتو خواهد بود .

چند روز بعداز وضع حمل که بهوش آمدم باز در خود احساس درد و سوزش مکیردم بمادرم گفتم « حالا هر طور بود که فارغ شدم دیگر این دردها چیست ؟ » مادرم که قطرات اشك دور چشمانش حلقه زده بود گفت : « عزیزم ، چیزی نیست ، انشاءالله خوب خواهی شد » . مدت دوماه بستری بودم . یك روز به طبیب گفتم : « آقای دکتر ، آخر این چه دردی است من دارم و این شست شوها برای چیست ؛ » دکتراز سئوال من متعجب شد و صاف و سادگی و جهل من متاثرش نمود . پس از اندکی سکوت زیرلب آهسته گفت : «چطور خدااز مردهائی که دانسته زنان معصوم خود را دچار این امراض میکنند خواهد گذشت ! .. » آنروز معنی اینحرفرا من نفهمیدم .

اما یکسال بعد از این واقعه مجدداً شوهرم مرا مبتلا بمرضی دیگر کرده که ازذکر اسمش شرم دارم .. هنوز از این بلیه خلاص نشده بودم که پسری از من بدنیا آمد بقدری ظریف و زیبا که تمام بد بختیهای گذشته فراموشم شد .. لکن طفلك علیل و همواره مریض بود یکی از روز هائیکه او را پیش دکتر میبردم باعز ولابه باقای دکتر التماس کردم بچه امرا زود ترخوب بکند . دکترگفت : « خانم این قدربااین بچه دل نبندیدزیرا که مریض بدنیا آمده است و شاید ماندنی نباشد . . » هنوز حرف دکتر تمام نشده بود که او را بباد دشنام و ناسزا گرفته بچه امرا در آغوش خود فشرده و چون دیوانگان از ان محکمه پا بفرار گذاشتم . شش روز بعد طفلك مرد وروزگار سیاهم سیاهتر شد .

کاغذ دارد طولانی میشود ، باختصار میپردازم : در عرض این پانزده سال شوهر داری خداوند بمن پنج طفل عطافرمودسه پسر و دو دختر و هیچکدام باقی نماندند . آنکه عمرش از همه زیادتر بود عزت عزیزم بود که جان و دلم در یك لبخندش جای داشت . سه سال ونیم داشت که دست اجل از دامن نازمادر دربودش . دراین پانزده سال خودم علی الاتصال مریض بودم وحکیم و دوا داشتم زیرا تاچند صباحی حالم بهتر میشد مجدداً آقا ، از بیرون تحفهٔ تازه برایم میاورد . .

یکسال بعداز شوهر رفتنم . پدرم برحمت خدا رفت . سال بعد مادرم ازفرط غصه در گذشت . چیزی نگذشت که عمویم نیز مرحوم شد و دختر خاله هایم همراه شوهران خود بولایات رفتند — آنچه ارث پدر و مادر بمن رسید ، همه راشوهرم بتدریج صرف عیش و نوش کرد و ازان قسمت امروز دیگر جز آه دربساط نمانده است . خلاصه اینکه درعالم هیچکس بجز شوهرم برایم باقی نمانده ، باینجهت تمام دردهای جسمانی وروحانی خودمرا تحمل کردم وهرگز لب به گله وسرزنش نگشودم وذرهٔ از احترام و اطاعت و مهربانی نسبت بشوهرم فروگذار ننمودم . اخرین بلیهٔ که دریك سال قبل مرا بان دچار کرده بود بواسطه پافشاری در معالجه قریب شش ماه پیش برطرف شد ودرواقع شش ماه بود که ازدرد بدنی خلاص بودم و فارغ البال میتوانستم از سوز خاطره های گذشته در گداز باشم تااینکه ناگهان **قضیه دیشب** پیش آمد.

اماقضیه دیشب : دیشب که بصورت شوهرم نگاه میکردم ملتفت شدم که گوشه های لبش مجدداً بعضی تب خالهای شك انگیز زده است . حسب المعمول برویش نیاوردم لکن موقع شام خوردن غذای اورا در ظرف علیحده کشیده جلویش گذاشتم باتعجب نگاه تندی به سفره کرد و گفت : « چه شده است که خانم علیحده شام میل میفرمایند؟ » گفتم :«تصور نکنید که جان خود را خیلی دوست داشته باشم چیزی که هست واقعادیگر طاقت دردو رنج مریضی راندارم» اینحرفرا که شنید دو سه ثانیه بر ابرو گره انداخت و بعد بالبخندی مصنوعی گفت : «خوبست،این لوسگریها را بگذار کنار» و ضمناً دستش را بطرف بشقاب من دراز کرد . من خود مرا عقب کشیده گفتم : «پس من شام نمیخورم . تازه شش ماه بود داشتم نفسی میکشیدم : اخر ترا بخدا کمی هم رحم و مروت داشته باش » .حرفم تمام نشده بود که رنك صورت اقا کبودوچشمانش قرمز شد و مثل این بود که میخواهد از حدقه بیرون بیاید با صدائی مهیب گفت : «معلوم میشود شوخی نیست » ، ضمنا بشقاب را غفلتهٔ بلند کرده بر فرقم کوفت وگفت:

پس از آنکه قریب چهارده سال ازامضاء عهد نامه گلستان (مورخه ۱۲ اکتبر۱۸۱۳) گذشت در اوقاتی که روز بروز ایران رو بضعف وناتوانی میرفت نیکلای اول که عشق مفرطی به فتح و جهانگیری داشت و یکی از امپراطورهای مشهور روسیه بشمار میرفت بسریر سلطنت قرار گرفت (۱۸۲۵ میلادی) بهانه جوئی روسیه راجع به بعضی از قضایای سرحدی از یکطرف و احساسات مخالفی که در ایران نظر بمعاملات روس‌ها نسبت بمسلمانان تفقاز تولید شده بود ازطرف دیگر جنك بین دو دولت را مسلم کرد در اوایل جنك قوای ایران در تحت فرماندهی شاهزاده عباس میرزا پیشرفتهائی حاصل کرده و قسمتی از اراضی که بواسطه عهد نامه گلستان از ایران منتزع شده بود از طرف ایرانیان اشغال گردید ولی عمر این فتح کوتاه بود چیزی نگذشت که سرکرده قشون روس ژنرال ژان پاسکویچ (۱) شکستی بقوای ایران داده ورو به مملکت ما تاخت علاوه بر ایروان و بعضی نقاط دیگر تبریز را نیز متصرف شده عزم طهران نمود . و بالنتیجه این جنك منتهی بهمان عهد نامه معروف به ترکمن چای(مورخه ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ مطابق ۵ شعبان ۱۲۴۳) گردید . ما در این جا از شرح آن عهد نامه صرف نظر کرده و فقط موادی را که مربوط بخط سرحدی و درحقیقت موضوع بحث ما است برای بصیرت قارئین محترم ذکر میکنیم بقیه دارد

(1) Jean Paskévitch

و برای این مقصود چند صد فرانك پس‌انداز نموده است . بالاخره بی پرده پیرت را برای این منظور دعوت کرد و چون از زندگانی او آگاهی یافته بود قول داد که همیشه نسبت باو مهربان بوده هیچ وقت اورا مورد طعن قرار نداده و پسر اورا مثل پسرخودش دوست خواهد داشت .

پیرت سرخودرا بزیر افکند وسکوت اورضایت را گواهی میداد .

عروسی شدو این دونفر زندگانی ارام و دلپذیری داشتند . بعداز این تندبادحوادث و باران بد بختی طراوت وارامشی درزندگانی پیرت ظهور کرد . —

این آرامی را کاهی تغیر «اوربه» نسبت به فورژا برهم می‌زد و میانه‌داری پیرت غالباً بی نتیجه می ماند کوچکترین شیطنت و حرکت غیر مقبول فورژا کافی بود که « اوربه» را متغیر نموده ونسبت باو بی رحم و انصاف کند . — بدبخت فورژا بی‌گناه بود به مقتضیات سن خود رفتار میکرد و شاید اگر پدر حقیقی او حرکات اورا می‌دید از شعف و وجد اورا هزار بار دراغوش میکشید اماچه فایده که بیخود فورژا اوربه را «پاپا» صدامیکرد اوازحرکات شیرین فورژا متغیر می‌شدوغالبا مشت بود که برروی و پشت او نواخته میشد

اتفاقا فورژا دچاره‌حرقه شد ودر نتیجه مادربدبخت‌او مرد و بدبختانه اوزنده‌ماند

وجود این طفل شش ساله بابدبختی آمیخته‌شده بود روزهادرمدرسه میرفت‌وبرحسب سفارش مأمور بود غذای شب کسی را که پدرمیدانست تهیه کند

مرك پیرت برای اوربه‌وفورژا خیلی گران تمام شد .. اوربه درنتیجه این تاثر روحی خود به شرابخواری‌توسل‌جست‌ومایل بود باافراط درشرب« آبسنت»وعرق الام خودرا فراموش کندشبهادیربخانه برمیگشت وقتی میامد غذا سرد و غیر ماکول بود بهمین جهت بیچاره فورژا بود که مورد تغیر وهدف مشت ولگد او واقع میشد

این‌وضع برای‌هیچکس‌قابل تحمل نبود مشت‌و لگد‌خوردن شبها در نتیجه آشپزی وقت نداشتن برای یاد گرفتن دروس و سرزنش شنیدن در مدرسه .. وادار نمود که اساسا از همه چیز صرف نظر نموده و ازمدرسه وپدرچشم بپوشد

در کنار رودخانه سن قدم میزد وکرجی بزرگی را تماشا میکرد که در ساحل لنگر انداخته است :

تا غروب آفتاب درآنجا گردش‌میکرد ناگهان پسری ۱۶ ساله دیگر با لباس گشادی که نشان میدادمال خودش نیست پیش اوامد وباکمال صمیمیت شروع به‌صحبت کردند: تواز کجامیائی؟ گرتین فورژه جواب داد از مدرسه وخانه‌فرار کرده‌ام وحالا نمیدانم چکنم من‌مدتی است فرار کرده ام وشبها در این کرجی زغال کشی می خوابم و نامم ناتول است این دو جوان که‌ظاهرا هردو سرنوشت متشابهی داشتند مثل اینکه سالها ست یکدیگر را می شناسند مانند دو برادر با هم صحبت می کردند وقرار شد شبهارا درکشتی خوابیده و روزها را باتفاق گردش کنند فورژه پرسید خوب پول کافی برای چنین زندگانی وارسته نداریم ناتول‌که ازاو مجرب تر بود تهیه پول را عهده دار شد وچندین‌روز بدین منوال گذشت

اوربه که مورد ملامت همسایکان واقع شده بود که چرا دست ازپسر خود که تنها نمونه زن‌عزیزش بود کشیده است به کمیسار یای محل گم شدن فرزند را اطلاع داد و مامورین نظمیه درصدد پیدا کردن او بر آمدند . بالاخره یك روز هنوز از کشتی خارج نشده بودند که گریبان آن بدبختان را مامور نظمیه گرفت و آنهارا به کمیسری‌محل برد

منظره صبحگاهی کمیساریهای پلیس دیدنی است . همانطور که مجاری تحت‌العرض پاریس کثافات را در رود خانه سن میریزند همانطور هم هرروز صبح گاری ها و درشگه هاست که طبقه چرکین واشخاص فاسدرا بقول مامورین قانونی به کمیساریها آورده و از آن جا بزندانها تسلیم میکنند

پیرمرد،مست، جوان بدکار،دزد ،قاتل‌و بالاخره ازهر طبقهٔ‌نمونه‌های‌چندی‌هر روزصبح به کمیساریا جلب میشوند

« بیا! مزد حرفترا بگیر : فردا هم گورترا گم کن از خانهٔ من بیرون برو !من زنیکه از من اجتناب میکند نمیخواهم»

• • • • • • • • • • • • • • • • •

شوهرمرا خوب میشناسم میدانم که یك دنده است و حرفی که زد همان است . از اینجهت دیشب تا صبح بروزگار سیاهٔ خودم گریه میکردم . امروز صبح سر افتاب ازخانه بیرون رفت و یکساعت‌پیش طلاقنامه رااورده پیش من انداخت و نعره زنان بمادرش گفت : « این زنیکه را روانه کنید برود . اگر ظهر اینجادیدمش ناقصش میکنم »

حالا باید از اینخانه بیرون بروم . قبلا نظری بائینه‌قدی همان ائینه‌ای که‌شب عروسی خودرا در ان دیدم انداختم‌و نظریهم‌بروحیات خود افکندم تغییرات عظیمه که ناگهان‌درخود یافتم انداممرا‌بلرزه اورد . زیرا ، ای‌معصومه عزیز ، امروز من‌دیگرآن دختر رعنائیکه‌پانزده سال پیش میشناختی‌نیستم . ان پوست لطیف چون ورق گل وان موهای‌طلائی رنك انبوه که تو و سایر دخترها بان رشك می بردید و ان نخوت و غروریکه همواره مرا بدان سر زنش میکردید ، تمام اینها دیر زمانی است که مرا ترك گفته اند این پانزده سال محنت روحی و بدنی ظاهر و باطن مرا دگرگون ساخته است

چرا باید فقط دراین ساعت‌دراین‌لحظه‌بخصوص من ملتفت این تغیرات بشوم ؟ .

نه‌نه حسین کلفت آلان‌وارد اطاق شده یك بقچه که یگدست لباس من با چند جفت جوراب و دستمال وخرده ریز توی آنست پهلویم روی زمین‌گذاشت و رفت : مقصودش این است که ظهر نزدیك است و پیش ازاین توقف من دراینخانه که‌من تصور میکردم‌خانهٔ خودم است جائز نیست هرچه فکر میکنم که در این‌شهر غریب‌بکه روی‌بیاورم و‌بکجاپناه‌ببرم عقلم بجائی نمیرسد ..

بهرحال چارهٔ نیست بایداز اینخانه‌بیرون رفت . اگرچه باشرح قضیه دیشب باعث درد سر توشدم ولی حس میکنم که‌لازم بود قبل از اینکه دراین شهر ضعیف کش و یلان و سرگردان شوم درد دل خودرا بیکی‌ازخواهر های نوعی و مخصوصاً به‌توئیکه دوست ایام کودکیم بوده‌ای شرح دهم .

حالا وقتی اینکاغذ بتو میرسد من کجا ودرچه حال خواهم بود باخداست شایدبرمن ترحم فرموده برحیات پرمرارتم خاتمه داده باشد . . . دوست بیچارهٔ تو

صدیقه

دنیادرهفته‌گذشته

ایران

«بقیه از صفحهٔ۲»

آقای‌میرزا حسین خان پیرنیا باکثریت ۹۸ رای در جلسه ۲۵ بهمن ماه مجلس بسمت ریاست مجلس شورای ملی انتخاب گردید .

***

کابینهٔ آقای مستوفی روز ۱۵ بهمن به اعلیحضرت وروز۲۳ بهمن به مجلس‌شورای ملی باین ترتیب معرفی گردید .

آقای‌میرزا محمد علیخان فروغی وزیر جنك — آقای‌تدین وزیر معارف — آقای انصاری وزیر خارجه — آقای هدایت‌وزیر فوائد عامه — آقای فیروز میرزا وزیرمالیه آقای‌داور وزیر عدلیه — آقای فاطمی‌وزیر داخله و آقای رئیس‌الوزراء شخصاً متکفل‌امور وزارت پست و تلگراف شدند

***

بعد از اینکه آقای داور بسمت وزارت عدلیه‌به حضور اعلیحضرت‌معرفی‌شدند‌بموجب اعلان ذیل :

«کلیه تشکیلات عدلیه موجوده در طهران ازفردا منحل است ۵شنبه ۲۰ بهمن ماه » وزارت عدلیه منحل گردید . و در جلسه ۵شنبه ۲۷ بهمن ماه مادهٔ واحده‌ذیل را تقدیم مجلس نمودند « ماده واحده : وزیر فعلی عدلیه‌مجاز است بوسیله کمیسیون های مرکب از اشخاص بصیر موادی راجع باصلاح اصول تشکیلات ومحاکمات واستخدام عدلیه تهیه و بموقع اجرا بگذارد تا پس از آزمایش مدت ٦ ماه در عمل بمجلس‌شورای ملی پیشنهاد نماید . کمیسیونهای مذکوره چهارماه پس از تصویب‌این قانون منحل میشود اصول تشکیلات ومحاکمات و استخدام عدلیه مادام که بوسیلهٔ کمیسیون های فوق الذکر و تصویب مجلس شورای ملی یا کمیسیون عدلیه تغییر نکرده بقوه خود باقی است و در همین حال مواد مصوبهٔ کمیسیون‌ها موقتاً معمول بها خواهد شد

تبصره — وزیر فعلی عدلیه می تواند اشخاصی را که لازم می داند اعم از اینکه سابقهٔ استخدام دولتی داشته باشند یا نه برای موسسات اداری ومحاکم عدلیه انتخاب نموده موسسات و محاکم را از آن اشخاص دائر نماید این پیشنهاد با مخالفت شدید بهبهانی مصادف شد وبالاخره‌با مذاکرات زیاد ماده مذکور تصویب شد

***

آقای فاطمی وزیر داخله روز پنجشنبه ۲۷ بهمن ماه آقای مصطفی قلی خان بیات را بسمت معاونت وزارت داخله و همانروز آقای وزیر فوائد عامه نیز اقای رهنما و اقای تدین اقای میرزا یوسف خان مشاررا بسمت معاونت خود به مجلس معرفی‌نمودند.

راجع بخلع‌سلاح بحری :

جواب دولت فرانسه

دولت فرانسه جواب یاداشت مسترکولیج راجع بخلع سلاح بحری را اخیراً بسفارت کبرای اتازونی در پاریس تسلیم داشته است

دولت فرانسه توجه مخصوصی را که دولت اتازونی همواره بصلح عمومی دارد تقدیر نموده ولی ضمناً اظهار میکند که چون جامعه ملل اخیراً راجع بموضوع خلع سلاح مشغول اقدام و مطالعه است وکلیه دول دنیا باین اقدامات ذیعلاقه می باشند لهذا درصورتیکه بخواهد درکنفرانس مزبور شرکت نماید ممکن است از اهمیت اقدامات جامعه ملل کاسته شود دولت فرانسه اظهار امیدواری میکند که پیشنهاد اتازونی در ژنو بوسیله کمیسیون تهیه مقدمات خلع سلاح مورد مطالعه‌واقع شود (بی سیم پاریس)

جواب ایطالیا — ازقرار اخبار واصله ایطالیا نیزاز قبول‌دعوت امریکا برای‌مشارکت در کنفرانس خلع سلاح‌بحری امتناع ورزیده است بی‌سیم‌برلن

نظریه‌وزیربحریه ژاپون

مخبر رویتر بلندن تلگراف میکند که وزیر بحریه ژاپون امیرال تاکاراب اظهار داشته است که تحدید بحریه جنگی بیش‌از انچه فعلاوجود دارد غیرممکن‌است

(بی‌سیم‌پاریس)

ازقرار معلوم دولت ژاپون اختیارات تامه به نمایندگان خود در ژنو خواهد داد که با افتتاح کنفرانس‌بحری بمحض اینکه‌شرایط آن فراهم گردید موافقت ننمایند

از توکیو اطلاع میدهند که از قرار معلوم میکادو از مجلس سنا تقاضا کرده‌است اعتبار لازم جهت ساختن چندین فروند کشتی‌جنگی بدولت داده شود زیرا فعلا خلع سلاح‌خیلی بنظراحتمالی میاید — بی‌سیم‌برلن

ازلندن اطلاع رسیده است که جواب دولت ژاپون بیاد داشت کولیج راجع بخلع سلاح مثبت میباشد (بی‌سیم برلن)

وقایع چین

جراید می نویسند که دستجات کانتون پس از شکستی که بقوای سون دادند‌به‌هشتاد کیلومتری جنوب‌شانگهای رسیده اند ، پیشرفت آنها بدون مبارزه صورت گرفته زیرا قوای سون بدون جنك فرارکرده اند ـ درشانگهای چندین کارخانه نساجی اعتصاب نموده وهم چنین یکقسمت ازتراموا های برقی شهر از کارافتاده است — انجمن عمومی کارگران تقاضا دارد برای اعتراض برعلیه حضور قوای انگلیسی در شهر حکم اعتصاب عمومی داده شود — [بیسیم پاریس]

بموجب شرحی که‌روزنامه‌لندن اکسچنج منطبعه لندن نوشته بافتخار فتحی که قوای کانتون نموده اند اعتصاب عمومی درشانگهای اعلام شده است

[بی‌سیم پاریس]

رئیس کمیساریا که مرد دائم الخمری بود شروع به‌کار کرد واستنطاق «فورژ» شروع شد .

مستنطق از اشخاص خوش نیتی‌بود که مایل بود به طریق معقولی تکلیف‌فورژه را تعیین کند و سعی می کرد او را به خانه پدرش بر گرداند بنا بر این از جزئیات گذارشات و احوال او استفسار کرد

فورژه نیز باکمال صراحت بد رفتاری پدر ،مرك مادر و فرار خود را اقرار کرد و تقریر نویسی که سر انگشتان دست چپ خود را مثل اینکه بهترین شیرینی است می جوید بیانات فورژه را نوشت

در این حین مستنطق «مسیو اوربه» رااحضار کرد . او با قیافهٔ مکدر وخشمگینی وارد اطاق شد و نگاه غضبناکی به فورژه که از ترس میلرزید کرد .

مستنطق رو به اوربه کرد و گفت : بفرمائید . این‌است پسرتان که فرار کرده بود حالا خواهش دارم من‌بعد کمتراو را بعنوان تأدیب شکنجه فرمائید .

اوربه نگاهی باطراف کرد و گفت، خواهش دارم اجازه فرمائید فورژه را بیرون ببرند تا من مطالبی که هست عرض کنم .

فورژه را از اطاق خارج کردند و « اوربه» سجل ولادت‌را که این طور نوشته شده بود نشان مستنطق داد .

« سجل ولادت کرتین فورژا پسر پیرت ـ پدر او مجهول است »

این پسرکسی است‌که شریك قسمتی ازعمر من بوده‌وبدبخت مادرش‌وفات یافت . خیال می کنم گناهی نکرده ام اگر این طفل را نگاهداری کرده ام و در موقعی که‌مستحق بوده است او راگوشمالی داده ام .

قاضی که از این قبیل قضایای اسرار آمیز اطلاع داشت برای اینکه آتیهٔ طفل را در محبس خراب نکند گفت معهذا این طفل تنها یادگار کسی است که شما او را دوست داشته اید و سزاوار است که از او نگاهداری نمائید ولی این بیانات در اوربه تاثیری نکرده و از کمیساریا خارج شد . بدبخت فورژه که نه پدر دارد و نه مادر و حالا باید به محبس تسلیم شود . چه‌باید کرد بالاخره فورژای بیچاره به زندانی که‌برای اطفال ترتیب داده اند فرستاده شد

نوع پروران و آنهائی که به تربیت جامعه مدنی علاقه مند ند برای تأدیب اطفالی که پدران و مادران آنها را براههای زشت هدایت نموده اند طریقی تعبیه کرده اند و خیال می کنند باید از اطفال جلوگیری کرد و هر روز این جلوگیری ها را سخت تر و محکم تر می کنند در صورتیکه مقصر اولیاء آنها می باشند ودر حقیقهٔ پدر و مادر مخرب طفلند نه خوداو —

باید پدر و مادر آنها را تأدیب کرد نه این اطفال معصوم و بدبخت .

درناحیهٔ (مارن)فرانسه مؤسسهٔ برای حفظ و تربیت اطفال بد اخلاق تأسیس‌شده بود . مدیر این مؤسسه اظهار می کرد که این‌اطفال بیکاره و فاسد را بعد از چند سال صنعتگر و نظامی یا فلاح نموده و برای خدمت بجامعه حاضر می کند در صورتیکه این مؤسسه فقط ناشر فساد اخلاق و نادی ظلم و فشار و خشونت رفتار قراولان و مستحفظین بود . بیچاره محبوسین بعد از یکی دو هفته عفت جبلی را بدرود گفته و غالباً هم بعد از مدت کمی در قبرستان آنجا مدفون می شدند . درهوای سرد باغذای کم وغیر مأکول تحمل‌خشونت‌رفتار مستحفظین‌برای ان‌اطفال غیرمیسربود وهروقت که مختصر تمردی میکردند در محبس های تاریك ومرطوب محکوم به گذراندن روز و شب می شدند و یا اینکه سر نیزه قراولان بود که دنده و پهلوی آنها را خورد می کرد .

بقیه دارد

تلگراف بی سیم

برای اینکه مطلب بهتر فهمیده شود ابتدا ناچارم تاریخچه اکتشافات الکتریسته ووسائل تولید این قوهٔ خارق العاده را بعرض برسانم البته این قسمت برای اغلب قارئین محترم تازگی ندارد و از این تصدیع معذورم خواهند داشت ولی نظر باینکه ممکن است بدون ذکر این مقدمه فهم اصل موضوع برای بعضی اشکال پیدا کند از این جهت بذکر آن مبادرت میشود

در قرون قدیمه خاصیت جذب اجسام سبك را که از اصطکاك و مالش حاصل میشده منحصر بکهر با میدانستند چنانکه طالس و تئوفراست فیلسوف و عالم یونانی وپلین نویسنده رومی در نوشتجات خود باین موضوع اشاره کرده اند

در قرن شانزدهم مسیحی ژیلبر طبیب انگلیسی معلوم کرد که خاصیت جذب اشیاء سبك در بعضی اجسام دیگر نیز مانند چوب وکاغذ پس از اصطکاك و مالش ظاهر میشود و بمناسبت اسم یونانی کهربا که الکترن می باشد این خاصیت و اثر را الکتریسته نامید

پس از ژیلبر انستفن‌من‌گری فیزیك دان انگلیسی در نیمه اول قرن هیجدهم کشف نمود که الکتریسیته مالشی در کلیه اجسام تولید میشود منتهی در بعضی مانند فلزاتی که قادر بر حفظ الکتریسته نیستند الکتریسته آن ها بوسیله دست و بدن بخارج سرایت میکند و اثر آن در آنها ظاهر نمیشود ولی در بعضی دیگر مانند شیشه وسقز از بابت عایق بودن این خاصیت باقی می ماند و از این جهت اثر ان درانها محسوس است. باری درهمان اوان یعنی در اوائل قرن هیجدهم یکنفر عالم فرانسوی موسوم به دوفه متوجه شد که الکتریسته بر دو نوع است یکی الکتریسته شیشه ای و دیگری الکتریسته سقزی و انها را از جهت انکه مانند مقادیر جبری بایکدیگر جمع میشوند بعد ها مثبت و منفی نامیدند

وسیله دوم تولید الکتریسیته باین نحواست که یك جسم هادی را در مجاورت جسم الکتریسته داری قرار دهند در این صورت در ان جسم های الکتریسیته تولید می شود از روی این خاصیت ماشینهای متعددی ازقبیل ماشینهای رامسدن ویهشورست وهلتز وکاره وغیره ساخته اندکه شرح آنها موجب اطناب و تااندازهٔازموضوع ماخارج است

طریق ثالث که برای تولیدالکتریسته معمول است در نتیجه مباحثاتی مکشوف‌شده که دراواخر قرن هجدهم بین دو نفر عالم ایطالیائی کالوانی وولتا رد وبدل شده است الکتریسته قبل از کشف این طریق ثالث در صنعت بهیچوجه مورد استعمال نداشته و منحصر باطلاعاتی بوده است که علما از راه تجربه در لابراتوار های خود تحصیل کرده بودند .

نقل میکنند روزی زن کالوانی مقداری قورباقه برای تهیه ناهار پوست کنده و آنرا در ایوان خانه خودبمفتول‌هائی اویزان کرده بود و برحسب اتفاق یکی از شاگردهای این استاد متوجه شد که در بدن این حیوانات تشنجاتی پیدا میشودبالاخص عضلات ران آنها منقبض میگردداین کیفیت توجه کالوانی را جلب کرد و بعد قورباغه پوست کنده را درحضور شاگران خود روی میزی بمیخ کشید و عضلات آنرا بوسیله مفتول فلزی که که از مس‌وروی تشکیل شده بود باعصاب آن وصل کرد ونشان داد که در بدن حیوان تشنجاتی پیدا میشود

چون گالوانی در علم وظائف‌الاعضاء وتشریح تبحر داشت معتقد بود که این تشنج ناشی‌ازاثار روح است وبین حیات والکتریسیته مشابهت‌تامی‌وجود دارد

ولتا معلم دارالعلم شهر پاوی در لابراتوار خود تجربه گالوانی را تکرار نمود ومعتقد شد که این تشنج نتیجه تخلیه الکتریسته‌ایست که از اتصال دو فلز مختلف مس وروی ظاهر میشود کالوانی برای اثبات نظریه‌خود وردعقیده و لتا تجربه را با قوسی بعمل آورد که فقط از یك فلز تشکیل شدهٔ بود و نشان داد که در این صورت‌هم تشنجات در بدن‌حیوان عارض میشود این تجربه هم ولتا را در عقیده خودسست نکرد و بعکس رای خود را تعمیم داد و گفت از اتصال‌دو جسم مختلف‌از جهت آنکه بین آنهااختلاف سطح الکتریك موجود است الکتریسته جاری حادث میشود در تعقیب همین عقیده بود که پیل معروف خود را با قرصهای مس و روی ونمداغشته به‌اسید تهیه نمود

و بعد دیگران از قبیل لوکلانشه و دانیل و بنزن و پوکن درف بتقلید او بساختن پیل های کاملتری‌مبادرت کردند

در سنه ۱۸۳۱ مسیحی فاراده فیزیك‌دان انگلیسی طریق رابعی برای الکتریسیته پیدا نمود و از ان به بعد الکتریسته بکمك فکر اشخاص با استعدادی مانند گرام کارگر بلژیکی در صنعت کاملا بکار رفت بنحویکه امروز ماشین الکتریك در اکثر موارد قائم مقام ماشین‌بخار شده و الکتریسیته را ذغال‌سنك سفید وابی و سبز مینامند . امید میرود در اتیه در موقع اتمام ذغال سنك تمام ماشین های بخار به ماشین های الکتریك تبدیل گردد

چون جریان الکتریك فاراده از طریق القاء تولید میشود از این جهت انرا جریان القائی مینامند القاء هم ممکن است ازدوطریق بشود یا بوسیله جریان الکتریك و یا بوسیله مقناطیس (بقیه دارد) اسمعیل مرآت

سابقهٔ خدمت



—ازماموریتهای مهم‌مخلص یکی‌ولایت کرمان بود دو هزار تومان‌حقوق‌ده‌هزار تومان‌دخل‌ماهیانه

— به به ! چه مقام‌ارجمندی ! !چقدر طول‌کشید

— از طهران تا اصفهان

کار و علم

علم‌وهنرچوجان‌بدل آدمی‌است تن — بی‌جان و دل چگونه کند زندگی‌بدن

دنیای دانش‌وهنرو عصرصنعت‌است — بیکاره همچو ماست دگر ننك انجمن

فقر وغنااست‌زادهٔ تن‌پروری‌وکار — علم است وجهل‌زاده یزدان و اهرمن

شرمندگی‌است بردن‌کالای‌فقروجهل — آنجا که عز ومجد فروشند وعلم وفن

آنراکه‌نیست‌خلعت‌دانش‌به‌بررواست — پوشد اگر به پیکر ننگین خود کفن

***

ایران که بود مهد سعادت در آسیا — امروز از چه گشته چنین کلبه حزن

هرجای‌بنگری‌همه مسکین‌بزرك‌وخرد — هرسوی روکنی همه عاجز نوو کهن

نه جامعه برفع نواقص علاقه‌مند — نه کس بفکر جامعه در سرو درعلن

تاریخ را که فخر بنام نیای ما است — ننك آیدش که آورد ازما کنون‌سخن

***

دانی که‌دیگران زچه روشاد وخرمند — مستغنیند و منعم و مولا و موتمن

دانی که ما زچیست فقیریم ومضطریم — بی اعتبار و مفلس و مستغرق محن

ما تنبلیم و آنها فعال و کارکن — ما جاهلیم و آنها دانشور و فطن

ازاشك‌چشم‌وخون جگرآب‌خورده‌است — هر غنچه هنر که‌شکفته در این‌چمن

***

هان ای شما معارفیان جهد وکوششی — بیش شما است آبروی ملك‌مرتهن

باهمت و فتوت امروزهٔ شما است — عز و بزرگواری آینده مقترن

تحصیل تا نگردد اندر تمام ملك — اجباری و عمومی مابین مرد و زن

آماده تا نکرده معارف برای خلق — خیل معلمین خوش اخلاق ممتحن

ما را نظام به نشود حال مملکت — ما را نظام به نشود حالت وطن

نظـام وفا

گفت وشنود

طبیبی سال قحطی بدهی رفت از قضا مریض صعب العلاجی در آن ده بود چون شنیدند طبیبی وارد شده ببالین مریضش بردند. اوهم درخواست کردمقداری‌نان وشکرو روغن بیاورند و سپس انها را دور سر مریض گرداند و بخوردن مشغول شد .

وقتی که سیرشد وردی خواندوگفت مطمئن باشید که معالجه شدو از دربیرون رفت همان‌شب‌مریض مردچون نزداو رفته‌گفتند معالجه‌ات‌مثمرثمری‌نشد واورا گشت جوابداد اگرمعالجه‌را آنطریق نمیکردم طبیب‌هم‌میمرد»

***

طبیبی را بدهی بردند تا مریضی را عمل کند چون برسید مریض مرده بود طبیب حق الزحمه‌را مطالبه کرد گفتند مریض‌مرده گفت برای من چه فرق‌میکند مرده اش را عمل می کنم

ترك عادت



—حاجی آقا عدلیه منحل شد

—خدا نکند!چهل سال‌است دراین جازدو خورد دارم ترك عادت موجب مرض است .

نمایشگاه فیلادلفی

خوشبختانه از چند سال قبل گاهگاه دولت ایران درکنفرانسهای بین‌المللی‌شرکت منماید والبته لازم به توضیح نیست که شرکت در این قبیل مجامع درصورتیکه نماینده‌مطلعی فرستاده شود چه اندازه مفید است . زیرا منظور کلی از این اجتماعات اینست که در موضوع‌های مختلف‌علمی فنی صحی‌اجتماعی بحث بعمل آمده بخوبی اطراف و جوانب مسئله‌تحت دقت درآید.ولی‌تا حال حکومت ایران‌کمتر در نمایشگاه های مهم شرکت‌نموده است درصورتیکه مقصود ازایجاد آنها نشان دادن اجناس داخلی یااجناس مستعمرات و بالاخره گاهی مال التجار مخصوصی میباشد و بنا براین معلومست که در اوضاع اقتصادی ممالکی که در آنها شرکت کرده اند بی اندازه مؤثر است زیرا امتعه نقاط مختلف درمحل معینی به‌نمایش در آمده مثلا تاجر فرانسوی از وجود جنسی که در ژاپون ساخته شده است مطلع گردیده آنرا در وطن خودرواج‌داده میشناساند .

بااین مقدمه‌معلومست که شرکت دولت در نمایشگاه‌فیلادلفی که‌بمناسبت‌صدوپنجاهمین سال استقلال امریکا ترتیب داده شده بود بی‌اندازه مفید و از اقدامات قابل تحسین میباشد .

غرفه ایران همانطوریکه گراورصفحه اول‌نشان میدهد بابهترین طرزی یعنی بشکل مسجد مادرشاد اصفهان ساخته شده و البته میتوان فهمید که چه اندازه زحمت برای ساختمان آن‌کشیده شده‌است

وخوشبختانه اجناس ایران گرچه بیشتر کارهای دستی بوده اند توجه‌تماشاچیان را جلب و بعضی از آن ها باخذ مدال طلا مفتخرگردیده‌اند م-ك

عالم رویا

خواب تا حدی بیان حالت‌مزاجی‌است دریچهٔ بعالم مجهولات بروی ما می گشاید عالم رویا همواره باعث کنجکاوی انسان‌بوده در اعصار پیشین یونانیان قدیم راهبان معبد «دلف»‌را با بخار عفنی که از غاری بیرون می امده بحالت خواب و رخوت انداخته‌و کلمات نا مربوطشان‌را وحی منزل می پنداشتند و نسبت بامور معضله مملکت اتخاذ تصمیم مینمودند .اوضاع آن‌عصر با کیفیات امروزه بر بی شباهت نیست ! از همان ازمنهٔ قدیم تجار امید و معبرین خواب همیشه توجه و لطف عموم را جلب کرده و بازارشان رونق ورواجی داشته است

خواب همیشه مرگ کوچك نیست گاهی در عالم خواب زندگانی پرهیاهوئی داریم و در موقع بیداری معمولا چیزهای مبهمی‌از ان‌زندگانی بخاطرمی اوریم در خوابهای‌اشفته و پریشان قضایا را می بینیم که بسرعت‌برق از خاطر می گذرد و با اینکه خواب بسیار طولانی بنظر می اید بیش‌از چند ثانیه‌مدت نداشته است همینکه نظارت و کنترل‌ازادراکات ما برداشته شود هزاران مناظر و مرایا و عواطف و احساسات مربوط یا غیر مربوط مانند امواج دریای متلاطم در خاطر اصطکاك می کنند گوئی شاگردان مدرسه چشم معلم را دور دیده اند و باشوب و غوغا برخاسته‌اند

برصاحبان دقت و بصیرت پوشیده نیست که در عالم رویا اغلب مطالب بی ربط‌معنی و مقصودی دارند چنانکه بسیاری ازخوابها مربوط بحالت مزاجی است مثلا وقتی که دکتر الان دی در کتاب نفیسی که راجع برؤیا تألیف کرده است میگوید : دخترکی در خواب می بیند که سرش را در میان گیره گذاشته اند و سخت می فشارند وبعد از چند روز دخترك بمرض منتزیت مبتلا گردیده است .

پس آنچه درعالم رؤیا می بینیم همیشه تاریك ونامربوط نیست و چنین بنظر می‌اید که گاهی‌اوقات یك قوهٔ فوق العادهٔ درخواب ما ناظر و حکمفرما است . هیچ ملاحظه فرموده اید که گاهی حل یك مسئله غامضی در عالم رؤیابرای ما پیش امده در صورتی که قبلاهرچه کوشش کرده اید بحل ان‌موفق نشده اید . صاحبان ذوق غالباً در مواقعی مورد عنایت الهامات ذوقیه میشوند که قوهٔ دراکه انها در حالت رخوت میباشد غالب شعرا این فیض را ازموده اند چنانکه لافنتن قصهٔ « دوکبوتر » را در عالم خواب تصنیف کرده‌است . گوئیا وقتی که براحت خواب نایل میشویم هوش ما دریچهٔ بعالم مرموز می گشاید و در ان جا امکان کیفیاتی را مشاهده‌مینمائیم که باعث کمال تعجب وحیرت خواهد بود

از اشخاصی که در خواب حرکت میکنند دیده شده است که گاهی کار های بسیار خطرناك و با دقتی‌راتعجب اور انجام میدهند

خواب هائی که صورت واقعه‌بدی‌را اعلان داشته‌اند امثال و نظایر بسیاری‌دارد و اتفاق افتاده است که یك تشویق نا معلوم یا یك پریشانی وآشفتگی مخصوص نا گهان شخص را بیدار کرده و اتفاقاً در همان لحظه یك نفر عزیزش از جهان رفته است مثل این‌که رشته نامرئی که انها را بهم پیوسته بود ناگهان قطع شده است . بعضی اشخاص که واسطهٔ هیپنوتیزم واقع میشوند در موقع خواب از فواصل بعیده می بینند و درك مطالب می کنند و قوائی در انها مشاهده میشودکه از حیز فهم معمولی خارج است روی هم رفته مطلب حائز غرابت است .

همانطورکه اشعه‌خورشید از وسط امواج فضا تابش می کنند فهم ما هم با این قضایا تماس می نماید ولیکن نسبت بمطالب ممکن‌الحصولی که در عالم رؤیا جلوه‌گر است بسیار محدود و ناقص میباشد گوئیا عالم رؤیا وجوه روح و امواج بی پایانی که‌دارد ثابت و برقرار مینماید

اما نمیتوان دروادی مرموز قدم گذاشت مگر انکه اعصابی محکم و هوش و ذکاوتی سرشار در میان باشد و الا خطری شدید در پیش است و شاید باعث فساد و خرابی تعادل فکری گردد

بهتر این است که کشف معما را بعلم واگذاریم تا با قدم های ارام بجانب این نواحی غیر مکشوف پیش زود و قانع شویم که مختصر معلومات خود را از این مجهول برای صحت مزاجی و روحی وجود خود بکار اندازیم مطلب محال نیست ، بلکه تا حدی ممکن و اسان است چه ببسیاری از رنج و تعب ما برای انست که با کمال ابرام پیرامون این فکریم که مرض ما صعب العلاج عمل هاضمه مرتب نباشد و یا جریان خون و تنفس بزحمت افتد یا یکی از اعضابواسطه سنگینی بدن در فشار باشد خوابهای اشفته و پریشان می بینیم که چیز سنگینی سینه ما را می فشرد یا حیوانی عضوی از اعضاء مارا می‌جود یا خطر شدیدی بما روی آورده ولی پای ما قادر بر حرکت نیست و از فرار کردن عاجز هستیم گاهی در عالم رویا می‌بینیم که در فضا معلق شده‌ایم یا از جای بلندی پرت می شویم و با حالتی پر وحشت و دهشت از خواب می پریم بعبارهٔ اخری عوارض بر اعضای بدن وارد آمده مناظری را در خواب پیش می آورد که قابل مقایسه و جالب توجه است مثل اینکه خواب زبانی داشته‌باشد و بکنایه سخن‌بگوید سموم نیز سبب خوابهای پریشان میشوند مبتلایان به الکل و تریاك حیوانات عجیبه در خواب می بینند ساحران مکزیك برای پارهٔ کارهای‌جادوگری گیاه مقدسی دارند که آنرا پیوات می خوانند و از نیروی اثرآن چیزهای خیلی‌عجیب وغریب از نظرمسحور میگذرانند .

گاهی اوقات خوابها مبشر واقعهٔ هستند یا بروز مرضی را پیش گوئی می کنند است برعکس باید باین عقیده راسخ شویم که ناخوشی ما اهمیتی ندارد وزود معالجه میشود البته به‌اصول‌دکتر «کووه» آشنا هستید اصول مذکور بواسطه تکرار عبارات خوش اثری قوه اشراقی دارد مثلا در حالت فکر ورخوت وبدون اینکه وقت خویش را بکار واداریم این گونه عبارات را تکرار کنیم : حالتم خوبست . . مزاجم رو به بهبودی است . خیلی راحتم » وقس علیهذا . این عمل مسخره نیست بلکه خیلی مؤثراست باید قوه اشراقی را تحت نظم درآوریم ودرواقع خودرا تحت نفوذهیپنوتیزم بگذاریم چه‌بسیار اشخاصی که اراده میکنند که فلان ساعت‌روز بیدار شوند و بیدار میشوند این اشخاص برای ساعت سازان مشتریان خوبی نیستند ماهم سعی کنیم که برای اطبا مشتریان‌خوبی نباشیم .دکتر ژان برتران نقل‌ازروزنامه‌ماتن

ترجمه محسن سیاح

مطبعه روشنائی